

بیکارسازی ها ، تشدید فشار برگردۀ طبقه کارگر است ، باید با آن به مقابله برخاست !

بیکار میشوند. درمازندران که تا فروردین ماه سال جاری ۲۱ واحد تولیدی تعطیل شده بود ، در اواخر مرداد این واحدها به ۷۰ رسید و از آن تاریخ تا اواخر مهرماه فعالیت چندین واحد دیگر نیز متوقف شده است . بیش از نیمی از کارگران کارخانه های نساجی مازندران از کار بیکار شده اند . دراستان فارس بیش از ۲۱۶ واحد تولیدی و صنعتی بحالت رکود درآمده است ، دهها مرکز صنعتی تعطیل شده است. هزاران کارگر کارخودرازدست داده وهزارها کارگر دیگر در معرض بیکاری اند. دراصفهان صدها طرح صنعتی نیمه تمام رها شده است و دهها مرکز تولیدی بکلی تعطیل و کارگران آن از کار بیکار شدهاند.

صفحه ۳

بحران مالی دولت و تشدید بحران اقتصادی

و به تعویق افتادن دستمزد کارگران بسیاری از کارخانه ها بویژه در طی ۸ ماه گذشته است. علی رغم رکود صنعتی، تورم چهار نعل به پیش میتازد. در حالی که نرخ واقعی تورم هم اکنون از ۳۰ درصد نیز تجاوز نموده است، اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی ادعا میکند که شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در شهریور ماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۸/۹ درصد افزایش یافته است.

دولت که موجودیت انگل وارث را عمدتاً با دلار های نفتی حفظ میکند، در پی کاهش شدید بهای نفت، با یک بحران مالی وخیم روبرو شده است . خزانه کاملاً تهی است و دولت رسماً اعلام ورشکستگی کرده است. در اواسط مهرماه، کابینه خاتمی با سراسیمگی، اصلاحیه ای را برای جبران کسری بودجه ۲۵ درصدی خود به مجلس ارتجاع اسلامی ارائه داد و تهدید کرد که اگر این اصلاحیه به فوریت تصویب نشود، قادر به پرداخت حقوق مهر ماه کارمندان دولت نیست.

نجفی رئیس سازمان برنامه و بودجه در توضیح ورشکستگی مالی در مجلس گفت : در حال حاضر

صفحه ۴

روند بیکارسازی کارگران همچنان در ابعاد وسیعی ادامه دارد. مسئولین و روزنامه های رژیم، هرروزه از توقف کارخانه ها و تعطیلی مراکز صنعتی و تولیدی خبر میدهند. این خبرها حاکی از آن است که در همین نیمه اول سال جاری، صد ها مرکز صنعتی و تولیدی دیگر در سراسر کشور متوقف شده و کارگران آن از کار بیکار شده اند. صد ها واحد تولیدی دیگر نیز به صورت نیمه فعال و نیمه تعطیل درآمده اند که کارگران آن بلا تکلیف و در معرض بیکاری اند . هزاران طرح تولیدی و عمرانی نیمه تمام بحال خود رها شده است. در استان فارس بیش از ۵۰ درصد واحدهای تولیدی تعطیل شده و چند ده واحد دیگر در معرض تعطیلی اند. هزاران نفر بیکار شده اند و هزاران نفر دیگر عنقریب

جمهوری اسلامی با حادث ترین و وخیم ترین بحران اقتصادی تمام دوران حیات خود روبروست. موسسات صنعتی بایک رکود عمیق روبرو هستند. در طی چند ماه گذشته صد ها کارخانه و کارگاه تعطیل شده اند. منابع رسمی از بسته شدن عنقریب ۴۰۰ کارخانه سخن میگویند. در تعداد بیشتری از کارخانه ها، ظرفیت تولید به شدت کاهش یافته است. بخش زیادی از پروژه های تولیدی و عمرانی دولت نیز متوقف شده اند. طبق اخباری که از جلسات غیر علنی مجلس به بیرون درز کرده است، هم اکنون بیش از ده هزار طرح نیمه تمام متوقف مانده است. نخستین پی آمد این رکود، اخراج ده ها هزار کارگر

از خدا هم دیگر کاری ساخته نیست

در کشورهایی که دیکتاتوری عریان و آشکار حاکم است و مردم از آزادی های سیاسی محروم اند ، بحث از انتخابات و نقش مردم در اداره امور کشور بی معناست. تفاوتی هم نمیکند که هیئت حاکمه، در پی هر انتخابات قلبی و فرمایشی، درصد شرکت مردم را در انتخابات ۹۰ درصد اعلام کند یا کمتر و بیشتر. ایضا تفاوتی نمیکند که مردم با تهدید و فشار به پای صندوقهای رای برده شوند یا بدون حضور آنها، آرا میلیون از صندوقهای رای بیرون کشیده شود.

مصادق کامل یک چنین انتخاباتی را میتوان در ایران، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی دید. در اینجا رژیم حاکم است که آزادیهای سیاسی را از مردم سلب کرده و با اختناق و سرکوب موجودیت خود را حفظ کرده است. مردم هیچ نقشی در اداره امور کشور ندارند و هر مخالفت و اعتراض آنها با سرکوب خشن پاسخ داده میشود. بالین وجود هر چند وقت یکبار باصطلاح انتخاباتی را هم برگزار میکند که این "انتخابات" هم معمولاً "با حضور پر شور امت" پایان میگردد.

انتخابات اخیر مجلس خبرگان حکومت اسلامی هم که در اول آبان ماه برگزار شد، از قماش همان انتخاباتی بود که جمهوری اسلامی در طول تمام دوران حیات خود در ایران برگزار کرده است. این "انتخابات" هم همانند نمونه های پیشین آن، ربطی به مردم ایران نداشت. نه صرفاً از این زاویه که مجلس خبرگان یک نهاد فوق ارتجاعی حکومت اسلامی است که پاسدار استبداد مطلق ولی فقیه و تلفیق آشکار دین و دولت است که با هرگونه دموکراسی و آزادی مردم دشمنی آشتی ناپذیر دارد بلکه از این زاویه

صفحه ۲

در این شماره

اعتصاب عمومی کارگران دانمارک

اخبار کارگری جهان

اخباری از ایران

اطلاعیه ها

ستون مباحثات

گزیده ای از نامه های رسیده

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۴)

صفحه ۱۲

صفحه ۱۱

صفحه ۹

صفحات ۲، ۱۴، ۱۵

صفحه ۷

صفحه ۱۳

صفحه ۵

((بحرانهای عظیم ،

راه حل های اساسی می طلبند))

(سخنرانی فیدل کاسترو در آفریقای جنوبی)

صفحه ۲۱

کمکهای مالی رسیده

صفحه ۱۲



اعتراض ۲۵۰۰ تن از کارگران جهان چیت

۲۵۰۰ تن از کارگران کارخانه نساجی جهان چیت کرج که با خطر اخراج روبرو هستند، با اعتراض خود نسبت به هرگونه اقدام برای اخراج کارگران هشدار دادند.

چند روز است که بنیاد جانبازان به بهانه های واهی، خط تولید را در این کارخانه متوقف نموده و قصد دارد با ادعای زیان دهی کارخانه، گروه کثیری از کارگران را اخراج کند.

کارگران معترض جهان چیت، ادعای بنیاد را واهی می دانند. آنها می گویند: بنیاد جانبازان در چندین سال گذشته میلیاردها تومان از قبل دسترنج کارگران این کارخانه به جیب زده است و امروز به هیچ بهانه ای نمی تواند کارگران را اخراج کند.

کارگران حقیقت را می گویند. بنیاد جانبازان در طول تمام مدتی که مالکیت این کارخانه را در اختیار خود گرفته است، هرسال چند میلیارد سود به جیب زده است. اگر امروز هم به علت بحران اقتصادی، این سودها اندکی کاهش یافته، بنیاد جانبازان می خواهد با اخراج کارگران و محروم کردن آنها از همین دستمزد ناچیز، آن را جبران نماید. لذا اقدام بنیاد جانبازان در متوقف کردن خط تولید به بهانه زیان دهی یک ترفند سرمایه داران برای اخراج کارگران است.

کارگران مبارز جهان چیت کرج که سابقه ای طولانی در مبارزه علیه سرمایه داران دارند و سالها پیش نیز رژیم شاه اعتراض یکپارچه آنها را به خاک و خون کشید، قطعاً امروز نیز در برابر زورگویی کارفرمایان خواهند ایستاد و با اعتراض و مقاومت یکپارچه خود توطئه اخراج کارگران را درهم خواهند شکست.

سازمان فدائیان (اقلیت)
۷۷/۷/۲۱

جناحهای رقیب بپردازد. موقعیت این جناح از آن جهت نیز مستحکم تر شد که میان کارگزاران و مجمع روحانیون شکاف انداخت و کارگزاران را به تبعیت از خود واداشت. جناح کارگزاران عملاً در جریان این انتخابات وارد یک ائتلاف انتخاباتی با جناح مسلط شد و سران آن جناح را وارد لیست انتخاباتی خود کرد. بازنده اصلی، جناح مجمع روحانیون و گروههای موئل آن بودند که عملاً به حاشیه رانده شدند. برغم این تغییرات در موقعیت جناحهای رقیب و توازن قوای میان آنها، رژیم جمهوری اسلامی قادر نیست، خود را از شرتضادها و کشمکشهای جناحهای رقیب نجات دهد. تلاش جناح مسلط برای قبضه همه ارگانها و اهرم های قدرت، این تضادها را بازهم تشدید خواهد کرد. برغم موقعیت مستحکم تری که جناح مسلط کسب کرده است، اوضاع وخیم اقتصادی، نارضایتی وسیع توده ای و بحرانهای متعددی که رژیم با آنها روبروست به ناگزیر شکافهای درونی جناح های رقیب را عمیق تر خواهد کرد و تضاد و کشمکش های آنها را تشدید خواهد نمود.

خبرگان او را هم از توهم بیرون آوردند، اما اهمیت عدم شرکت گسترده مردم ایران در باصطلاح انتخابات، آنجائی خود را نشان میدهد که امر خدا را نیز زیر پا نهاده و به فتوای مراجع مذهبی در مورد این که شرکت در انتخابات یک واجب عینی است، و قعی نگذاشتند. این بدان معناست که لااقل اکثریتی از مردم ایران دیگر به اراجیف و خرافاتی که دستگاه روحانیت می پراکند، توجهی ندارند. آگاهی مردم و نفرت شان از حکومت مذهبی به درجه ای رسیده که دیگر از دست خدا هم کاری ساخته نیست. این را جریان عدم شرکت گسترده مردم برغم فتاوی مراجع مذهبی نشان داد. اما جریان انتخابات مجلس خبرگان نتایج دیگری هم در برداشت که به جناحهای رقیب هیئت حاکمه مربوط میگردد. جناح مسلط که بیش از دو سوم کرسی های خبرگان را به خود اختصاص داد، موقعیت خود را در میان جناحهای رقیب مستحکم تر کرد. این بدان معناست که میتواند همچنان مراکز اصلی دستگاه دولتی را در اختیار خود داشته باشد و علاوه بر این با قدرت بیشتری به مقابله

از خدا هم دیگر کاری ساخته نیست

که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، حتی از دیدگاه دموکراسی پارلمانی پورژوائی، انتخاباتی وجود ندارد. آنچه که هست انتصابات است که آنرا به عنوان انتخابات معرفی میکنند. هیئت حاکمه چند نفری را از میان وابستگان به دستگاه، به مردم معرفی میکند و به آنها میگوید یک یا چند نفر را به عنوان رئیس جمهور یا نمایندگان مجلس از میان آنها انتخاب کنید. به این اعتبار میتوان گفت که آنها انتخاب شده هیئت حاکمه اند و نه مردم. اما انتخابات مجلس خبرگان از این جهت حائز اهمیت بود که یکبار دیگر بی اعتباری سیاسی رژیم جمهوری اسلامی را در میان مردم ایران، آشکارا به نمایش گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی بخاطر یک رشته اهداف سیاسی داخلی و بین المللی، تلاش فراوانی مبذول داشت تا به هر شکل ممکن مردم را به پای صندوقهای رای بکشانند.

بدین منظور از مدتها قبل از انتخابات، تمام نیروی خود را بسیج کرد و تبلیغات گسترده ای را در میان مردم آغاز نمود. سران و دست اندرکاران رژیم هر یک به فراخور حال و موقعیت خود برای این باصطلاح انتخابات بازار گرمی کردند و مردم را به شرکت در انتخابات دعوت نمودند. پس از خامنه ای و رفسنجانی، خاتمی برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای سنگ تمام گذاشت. او در یک نطق رادیو - تلویزیونی ضمن دفاع از اختیارات نامحدود ولی فقیه، دفاع از شورای نگهبان و مجلس خبرگان، از مردم خواست که در انتخابات شرکت کنند. دستگاه روحانیت نیز به شکلی همه جانبه به این تلاشهای تبلیغاتی حکومت مدد رساند. مراجع مذهبی یکی پس از دیگری مردم را به شرکت در انتخابات دعوت نمودند و برای این که تمام زور خود را زده باشند، گفتند که شرکت در انتخابات یک واجب شرعی و عینی است.

معهداً با همه این تلاشهای رژیم، مردم ایران به نحو چشم گیری در انتخابات شرکت نکردند. روز انتخابات در همه جا حوزه های رای گیری خالی بود و خبرگزاری های جهان، این تحریم مردم را مخابره کردند. با این اوضاع، دیگر رژیم نمیتوانست از شرکت ۷۰، ۸۰ درصدی مردم در انتخابات و شاید هم بیشتر سخن بگوید. لذا به این قناعت کردند که بگویند ۱۷ میلیون و ۸۳۷ هزار نفر در انتخابات شرکت نمودند. برغم تمام تقلب ها و تهدید و فشاری که به مردم وارد آوردند، اعلام رقم ۱۷/۸ میلیون به عنوان شرکت کنندگان در انتخابات بدان معنا بود که ۲۱/۵ میلیون نفر از مردم یعنی ۵۵ درصد انتخابات رژیم را تحریم کرده اند. سازمان ثبت احوال رژیم قبل از انتخابات واجدین شرایط رای را ۳۹/۴ میلیون اعلام نمود. در استان تهران بازهم مطابق آنچه که وزارت کشور اعلام نمود، ۶۱ درصد از مردم در انتخابات شرکت نکردند و متجاوز از ۱۶۰۰۰۰ رای باطله اعلام شد که اغلب رای سفید بودند.

این باصطلاح انتخابات یک شکست سیاسی جدی برای رژیم جمهوری اسلامی، جناحهای مختلف آن و دستگاه روحانیت بود. در جریان این انتخابات یکبار دیگر نشان داده شد که توده های مردم ایران نه علیه این یا آن جناح بلکه علیه کل رژیم و همه جناحهای آن هستند. اگر آقای خاتمی هم تاکنون دچار توهم بود و فکر میکرد، توده های مردم ایران، او را تافته ای جدا بافته از کل ارتجاع حاکم بر ایران، میدانند، مردم ایران در جریان انتخابات

۸۰ سال از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر گذشت

انقلاب اکتبر،

جنگ آشکار علیه تمامیت سرمایه و ارتجاع جهانی بود

پیام اکتبر،

رهائی میلیونها کارگر از یوغ استثمار و بردگی است

انقلاب اکتبر

در قلب میلیونها کارگر در سراسر جهان زنده است

زنده باد اکتبر

بیکارسازی ها ، تشدید فشار برگرده طبقه کارگر است ، باید با آن به مقابله برخاست !

گرچه کارگران در برابر این تهاجم گسترده سرمایه داران واکنش نشان داده‌اند و از همان آغاز پروسه بیکار سازیها علیه آن به مبارزه برخاسته‌اند، گرچه بخش وسیعی از کارگران مطالباتی چون افزایش دستمزد، انعقاد قرار دادهای دسته جمعی، طرح طبقه بندی مشاغل و نظیر آنرا نیز بپایان کشیده‌اند، اما خواست یا خواستهائی که در اکثر اعتراضات کارگری مطرح شده و سایر خواستههای کارگری نیز پررنگ تر بوده است، پرداخت بموقع دستمزد، پرداخت حقوق هلی معوقه و حفظ اشتغال و نظیر آن بوده که در کل خصلت دفاعی داشته است. سرمایه داران برای عقب راندن کارگران، از این شرایط، به حداکثر ممکن بنفع خویش سو استفاده نموده و فشار و استثمار کارگران را بیش از پیش تشدید کرده‌اند. تا آنجا که در برخی از واحدهای تولیدی در کمال بی شرمی کارگران را بطور دسته جمعی اخراج کرده‌اند، آنقدر آنان را تحت فشار و در تنگنا قرار داده‌اند، تا تحت عنوان قرار دادهای موقت کار، یعنی تحت شرایط کاری بدتر و بدون استفاده از حقوق و مزایای قبلی، اجبارا به کار برای سرمایه داران در همان واحد تولیدی تن بدهند در پاره‌ای مراکز تولیدی دیگر نیز که چندین ماه است حقوق کارگران را پرداخت نکرده‌اند، صریحا" به کارگران گفته شده است چنانچه حقوقهای عقب مانده خویش را مطالبه کنند، آنان را اخراج خواهند کرد.

جز اتحاد و جز

تشدید مبارزه راه دیگری نیست !

تعرض همه جانبه سرمایه داران، نتیجه اش اخراج و بیکاری کارگران، نتیجه اش فقر، بدبختی، فلاکت و گرسنگی بیشتر و در یک کلام معنایش مرگ تدریجی کارگران و اعضای خانواده آنهاست. حال آنکه در حاکم شدن رکود بر تولید و در بحران عمیق اقتصادی زده‌ای خطا متوجه کارگران نیست. کارگران خود اولین قربانیان نظام سرمایه داری اند. کارگران سالیان متمادی استثمار شده‌اند، خالق ثروت های اجتماعی بوده‌اند، کار کرده‌اند و می‌خواهند زندگی و کار کنند. کارگران، کار و دستمزد مناسب می‌خواهند، بنابراین باید با ابتکار عمل مبارزاتی و اتحاد خود، یک جایی باید در برابرین تعرض بایستند و برابری روند فاجعه آمیز، مهر پایان بگویند.

اگر سرمایه داران ایجاد نفاق و جدائی میان کارگران، استثمار و فشار را تشدید می‌کند، پس در قدم اول کارگران هم بایستی با اتحاد و یکپارچگی خود با سرمایه روبرو شوند. باید در نظر داشت که لطامت ناشی از بیکارسازیها و از تعرض سرمایه به زندگی کارگران، فقط مشمول حال کارگرانی که از کار بیکار شده‌اند یا میشوند نمی‌شود. هر چند در نظر اول، این کارگران بیکار شده هستند که با از دست دادن کار خود، منبع ارتزاق خویش را نیز از دست داده و به فقر و گرسنگی محکوم میشوند، اما تاثیرات این بیکار سازیها در همین محدوده باقی نمی‌ماند و عوارض آن به سایر بخشهای کارگری و به همه کارگران سرایت میکند. تعرض به هر بخش از طبقه کارگر، تعرض به همه کارگران است. کارگران شاغل نیز خود بهتر از هر کسی شاهد این موضوع بوده‌اند که سرمایه داران چگونه از وجود میلیونها بیکار که در بدر دنبال کار میگردند و پشت درکارخانه ها منتظر پیدا کردن کاری هستند تا بتوانند با آن نان بخور و نمیری تهیه کنند سو استفاده میکنند، جلو اعتراض آنها را میگیرند

تولیدی و باصطلاح عمرانی را متوقف ساخته است و هم اکنون از چرخاندن صنایع و مراکز تولیدی تحت پوشش خود نیز بازمانده و قادر به بازسازی و نوسازی آن نیست، اگر نمیتواند بیش از این اعتبار و ارزیه سرمایه داران اعطا کند، در عوض با اهدا و واگذاری هزاران مرکز تولیدی و صنعتی به حضرات سرمایه داران بخش خصوصی، به خواست آنها لیبیک گفته است. بیکارسازی کارگران، گرچه پدیده‌ای عمومی است و در کل واحدهای صنعتی و مراکز تولیدی جاری است، اما این مسئله در مراکز صنعتی و وابسته به بخش خصوصی خصوصا واحدهای واگذار شده دولتی به این بخش، بسیار شدید تر است. دولت برای رفع مسئولیت از گردن خود برای آنکه در قبال بیکاری و آینده کارگران پاسخگو نباشد، این مراکز را در اختیار سرمایه داران بخش خصوصی قرار میدهد، تا آنها هم با دست بازتر و با خشونت و بیرحمی بیشتر به اخراج، سرکوب و بیکارسازی کارگران بپردازند و به دلخواه خویش بر شدت فشار و استثمار کارگران بیفزایند. بنا بر این روشن است که اقدامات دولت سرمایه دار هم بروج اخراج و بیکارسازیها می‌افزاید و صدها هزار کارگر دیگر را نیز در معرض بیکاری و خانه خرابی قرار می‌دهد.

موج وسیع و کم سابقه اخراج ها و بیکارسازیها، نه فقط تهاجم بیرحمانه به زندگی و سطح معیشت عموم کارگران و خانواده های کارگری بمنظور خالی کردن سفره آنان از نان خالی است، بلکه لطامت بسیار سنگینی را نیز بر طبقه کارگر و بر جنبش مطالباتی آن وارد می‌سازد. سرمایه داران و کارفرمایان ضمن آنکه در چنین شرایطی صفوف میلیونی بیکاران را متراکمتر می‌سازند و انبوهی از انسانهای رنج کشیده و محروم را در معرض مستقیم فقر و گرسنگی بیشتر قرار میدهند، در عین حال با سهولت بیشتری میتوانند به تفرقه اندازی در میان کارگران بپردازند، رقابتهای ناسالمی را در میان آنان دامن بزنند و در محدوده‌ای روحیه محافظه گری و انفراد گرایی را در آنان تقویت کرده و از نیروی اتحاد و همبستگی آنها موقتا بکاهند. استثمارگران این موضوع را خوب می‌دانند که در شرایطی که کارخانه پشت کارخانه می‌خواهد یا بصورت نیمه تعطیل در می‌آید، لاجرم انبوهی از کارگران نیز اخراج و بیکار و انبوه دیگری دچار سرگردانی و بلاتکلیفی میشوند و در هر حال در شرایط تحمیل شده به آنها، عملا" خواست های عاجلی یا عاجل تری که خاص این شرایط است به صدر خواسته‌های یک بخش زیادی از کارگران عروج میکند. مبارزه بخش زیادی از کارگران در این حالت، نه برای افزایش دستمزد های ناچیز خود به منظور تهیه یک قلم خوراکی علاوه بر نان خالی بر سر سفره خویش، یا فرضا بخاطر بهبود شرایط کار و زندگی و امثال آن، که به سمت دیگری یعنی به سمتی سوق داده میشود که لاقا" همان نان خالی را تضمین و فراهم کند. چنین است که این مبارزه، قبل از هر چیز به مبارزه بخاطر ادامه کاری کارخانه، به مبارزه برای حفظ اشتغال و دریافت همان دستمزد های ناچیز تبدیل میشود. مبارزه کارگران در این حالت در واقع مقابله کارگران است با فلاکت و خانه خرابی بیشتر و برای پیشگیری از وضعیت بدتر. سرمایه داران در این تعرض همه جانبه، بر خواست افزایش دستمزد ها که یکی از خواست های عمومی و مهم کارگران است مهار زده و در این زمینه طبقه کارگر را به موضع دفاعی می‌اندازند.

انبوهی از کارگران از دهها مرکز تولیدی در این استان، اخراج شده‌اند. برای نمونه شمار کارگران مشغول بکار کارخانه بافت ناز طی دو ماهه اخیر به کمتر از یک سوم تقلیل یافته است. در استان گیلان ۳۷ واحد دیگر بر موسسات تعطیل شده افزوده شده است. هم اکنون از ۱۹۸ واحد صنعتی مستقر در شهر صنعتی رشت، ۱۰۸ واحد در حال فعالیت اند. در استان کرمانشاه از ۱۷۰ واحد صنعتی ۱۱۰ واحد دچار رکود کامل شده و مابقی بصورت نیمه فعال درآمد دارند. در اوخر مهر ماه، دبیر کل خانه کارگر در جمع اعضای شوراهای اسلامی کار تهران گفت: در حال حاضر ۳۹۸ شرکت در آستانه تعطیلی قرار دارند و در طی ۶ ماه آینده ۱۹۸ واحد تولیدی به این معضل مبتلا خواهد شد. به عبارتی روزانه بیش از یک مرکز تولیدی تعطیل میشود و موج بیکارسازیها همچنان ادامه خواهد یافت. صدها واحد تولیدی و کارخانه دیگر در خراسان، آذربایجان، لرستان، قزوین، همدان و سایر استانها و شهرهای کشور به همین سرنوشت دچار شده‌اند.

این بیکارسازیهای وسیع و گسترده، کارگران را در معرض فشارها و دشواری های طاقت فرسائی قرار داده است. صدها هزار کارگری که با دستمزد های ناچیزشان نمیتوانستند لقمه نانی برای خود و اعضای خانواده شان تهیه کنند، هم اکنون به صف میلیونی بیکاران پیوسته و از دریافت همین دستمزد های ناچیز هم محروم شده‌اند و میلیونها عضو خانواده های کارگری، به فقر، فلاکت، بدبختی و گرسنگی بیشتری سوق داده شده‌اند. انبوه بیشمار دیگری از کارگران هنوز مشغول بکار نیز دستمزد های خود را با چند ماه تاخیر دریافت می‌کنند. در اینجا نیز میلیونها عضو خانواده های کارگری شب و روز نگران اخراج و یا از دست دادن شغل نان آ و خانواده‌اند. هیچگونه امنیت شغلی وجود ندارد. برخی مراکز تولیدی ۱۱ ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده‌اند. پدیده تاخیر در پرداخت دستمزد ها آنقدر رواج یافته است که دست کم در ۶ ماهه اخیر پرداخت حقوقهای معوقه و پرداخت بموقع دستمزد ها به یکی از خواسته‌های عمومی بخش زیادی از کارگران تبدیل شده است.

سرمایه داران و کارفرمایان، به بهانه کمبود نقدینگی، کمبود ارز، نداشتن مواد اولیه، زیان دهی و بهانه های دیگری نظیر آن، یا کارخانه را تماما می‌خوابانند و یا فعالیت این مراکز تولیدی را کاهش میدهند و بی هیچ گونه مسئولیتی و یا ملاحظه‌ای، فوج فوج کارگران را که معلوم نیست چگونه بایستی مخارج زندگی خود را تامین نمایند، اخراج و از کار بیکار میکنند. آنان در عین حال از دولت حامی خود می‌خواهند، کمک ها و اعتبارات بیشتری در اختیار شان قرار دهد و چنین ادعا میکنند که می‌خواهند به نو سازی ماشین های فرسوده بپردازند و صنعت را از رکود و نابسامانی نجات دهند! اما دولت که خود سرمایه دار بزرگی است، خودش غرق در بحران است و با یک ورشکستگی عمیق مالی روبروست. دولت سرمایه دار، عجالتا دولتی است که حتی از پرداخت حقوق کارمندان خودش هم ناتوان است و نقدا" سرگرم انتشار اوراق قرضه، استقرار از بانک مرکزی، پیش فروش نفت، قرضه خارجی و اقدامات دیگری مشابه آن است تا چرخ فرسوده و زهوار در رفته رژیم، لنگ زنان بچرخد. معهذرا همین دولتی که دستش خالی است، همین دولتی که بدلیل ورشکستگی مالی اش شمار زیادی از طرحهای

بحران مالی دولت و تشدید بحران اقتصادی

حداقل فاصله هزینه‌های دولت که در قانون بودجه مشخص شده با حداکثر درآمدهای پیش‌بینی‌شده دولت، حدود ۱۸۹۲۶ میلیارد ریال است. در اصلاحیه دولت، چاره‌جبران این کسری عظیم بودجه، استقراض عنوان شده است. استقراض از خارج به شکل گرفتن وام و پیش‌فروش نفت، استقراض از بانک مرکزی و استقراض از مردم به شکل فروش اوراق قرضه و پیش‌فروش حج تمتع.

جناح‌های رقیب هیئت حاکمه در مجلس ارتجاع که وخامت اوضاع را دریافته‌اند، در اینجا اختلافات را کنار گذاشته‌اند و مجلس، سریعاً اصلاحیه دولت را تصویب کرد.

برمبنای مصوبه مجلس، کل کسری پیش‌بینی‌شده دولت در بودجه سال ۷۷ رقمی معادل ۱۷ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال برآورد گردید که قرار شد از محل پیش‌فروش نفت و استقراض خارجی ۵ هزار و پانصد میلیارد ریال، از محل استقراض از سیستم بانکی ۶ هزار میلیارد ریال، اوراق مشارکت ۲ هزار میلیارد ریال، از محل حج تمتع دو هزار و چهار صد میلیارد ریال و از محل صرفه جوئی در هزینه‌های دولتی ۲۰۰۰ میلیارد ریال، تامین شود.

همانگونه که از این ارقام مشهود است، یکی از منابع تامین کسری بودجه، استقراض از خارج به میزان ۵ هزار و پانصد میلیارد ریال است. در اصل قضیه هم تفاوتی نمیکند که این استقراض به شکل وام باشد که انحصارات بین‌المللی و دولتهای امپریالیست آن را به جمهوری اسلامی بدهند، یا این که انحصارات نفتی در ازای وامی که میدهند، نفت دریافت کنند. در هر دو حالت یک استقراض است که همانند استقراضهای پیشین نتایج وخیمی برای توده‌های مردم ایران در پی خواهد داشت. اما ویژگی این استقراض در این است که برای سرمایه‌گذاری و انجام پروژه‌های تولیدی گرفته نشده است، بلکه دولت میخواهد با این استقراض امور روزمره دستگاه دولتی را بگذراند و حقوق مستخدمین دولتی را پرداخت کند. لذا این استقراض چنان رسوائی برای حکومت اسلامی است که یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع، لاریجانی، در یک سخنرانی این اقدام دولت را بازگشت به عصر قاجاریه در ایران دانست و گفت: "پیشنهاد آوردند به مجلس که یک میلیارد دلار از خارج قرض بگیریم که حقوق کارمندان دولت را بدهیم. یعنی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه هم همین‌طور حکومت را اداره می‌کرد. خاک بر سر این مجلس که این مصوبه را تصویب کرد. حالا باید عزای ملی اعلام کنیم."

اما از جنبه اقتصادی نیز این استقراض بدان معناست که حدوداً ۱/۵ میلیارد دلار دیگر با محاسبه بهره وام، بر حجم بدهی‌های دولت افزوده شود. رقمی که هم‌اکنون بیش از ۱۲ میلیارد دلار است و دولت که از پرداخت آن بازمانده است، دوباره در پی استمهال آنهاست. معاون ارزی بانک مرکزی که اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی سخن میگفت، "مانده تعهدات خارجی ایران را در پایان تیرماه سال جاری ۱۲/۳ میلیارد دلار" ذکر کرد که معادل "یک سال درآمد نفتی کشور با محاسبه بهای هر بشکه نفت به میزان ۱۲ دلار است." نامبرده افزود که تسهیلات اعتباری خارجی به میزان

سه میلیارد دلار دریافت خواهد شد و مانده بدهی‌های استمهالی دولت به میزان ۴ میلیارد دلار تا پایان سال آینده باید پرداخت شود. از این‌گفتار چنین برمی‌آید که ۲ میلیارد دلار دیگر نیز بر مجموعه بدهی‌های دولت در نیمه دوم سال جاری افزوده خواهد شد و چنین بنظر میرسد که لااقل بخشی از استقراض ۳ میلیارد دلاری نیمه اول سال جاری در رقم ۱۲/۳ میلیارد دلار فوق‌الذکر منظور نشده است. چرا که این رقم تا پایان تیر ماه سال جاری است. لازم به توضیح است که دولت پیش‌از آن که اوضاع به مرحله‌ای از وخامت برسد که ورشکستگی‌اش را رسماً اعلام کند و اصلاحیه بودجه را به مجلس بفرستد، معادل ۲/۱ میلیارد دلار از خارج قرض گرفته است. معاون ارزی بانک مرکزی در ادامه مصاحبه خود گفت: "درآمد حاصل از صادرات نفت در نیمه نخست سال جاری حدود ۵ میلیارد دلار بود که نسبت به میزان پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه ۷۷ برای همین مدت زمان، سه میلیارد دلار کاهش داشت. مجموع هزینه‌های ارزی ایران در نیمه نخست سال جاری ۹/۴ میلیارد دلار بود، که با ۵ میلیارد دلار صادرات نفت، بیش از ۱/۳ میلیارد دلار برداشت از ذخائر ارزی و ۲/۱ میلیارد دلار از طرق دیگر (پیش‌فروش نفت و تسهیلات اعتباری) تامین شد. "با این حساب روشن است که رقم بدهی‌های دولت در پایان سال جاری برمبنای همین امارات و ارقامی که بانک مرکزی ارائه میدهد، قطعاً از ۱۵ میلیارد دلار نیز تجاوز خواهد کرد. با این بدهی کلان، معضل بسیار جدی رژیم از نظر مالی و وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی، تازه از سال آینده شروع خواهد شد. ۴ میلیارد دلار بدهیهای استمهالی باید پرداخت شود، در همین حدود و شاید هم بیشتر باید صرف بازپرداخت وام‌های کوتاه مدت و بهره مجموع وام‌ها بشود. و این درحالی‌است که از هم‌اکنون چندین میلیارد نفت پیش‌فروش شده است. لذا اگر مجموع درآمد ارزی دولت در سال آینده نیز در همین محدوده سال جاری باشد، اگر نگوئیم همه، لااقل بخش اعظم آنرا باید بابت اصل و فرع میلیارد‌ها دلار بدهی‌های خود بپردازد. نتیجتاً وضعیت مالی دولت وخیم تر ورشکستگی تکمیل خواهد شد. اما منبع دیگر تامین کسری بودجه امسال ۲۰۰۰ میلیارد اوراق قرضه است که دولت در سال آینده باید میلیارد‌ها ریال بابت بهره آن بپردازد. پیش‌فروش حج تمتع نیز بدهی دیگری است که پرداخت آن از سال آینده آغاز میگردد. دولت از کدامی‌خواهد این هزینه‌ها را تامین کند؟ یکی از منابع آن، فروش ته مانده موسسات و کارخانه‌های دولتی به سرمایه‌داران بخش خصوصی اعلام شده است. اما تجربه فروش بخشی از موسسات در دوره رفسنجانی نشان داد که از این طریق هم چیز قابل ملاحظه‌ای عاید دولت نمیشود. زد و بند بوروکراسی دستگاه دولتی و سرمایه‌داران بخش خصوصی منجر به انتقال این کارخانه‌ها به بخش خصوصی به قیمتهای بسیار نازل می‌شود. نفع اصلی را سرمایه‌داران بخش خصوصی می‌برند و روشوهای کلانی عاید بوروکراسی دستگاه دولتی میشود. با این حال دولت مصمم است که این سرمایه‌هایی را که حاصل دسترنج کارگران ایران و متعلق به توده‌های مردم است، به بخش خصوصی واگذار کند. دولت به خوبی میداند که از این طریق نمیتواند هزینه‌های کلان خود را جبران کند، لذا میکوشد، از طرق دیگر نیز آنها را بردوش

کارگران و زحمتکشان بیاندازد. در اصلاحیه بودجه معادل ۶۰۰۰ میلیارد استقراض از بانک مرکزی تنها برای چند ماه مانده به پایان سال در نظر گرفته شده است. این استقراض یعنی انتشار بدون پشتوانه تولیدی و ارزی اسکناس، یعنی کاهش رسمی و غیر رسمی ارزش پول یعنی افزایش باز هم بیشتر بهای کالاها، کاهش قدرت خرید کارگران و زحمتکشان و تنزل سطح معیشت آنها. این استقراض از بانک مرکزی بازهم افزایش بیشتری خواهد یافت چرا که منابع تامین درآمدهای دولت محدودتر و مخارج آن عظیم‌تر خواهد بود. اما در محدوده همین استقراض ۶۰۰۰ میلیارد ریالی کنونی نیز پیش‌بینی میشود که بین ۱۰ تا ۲۰ درصد به نرخ تورم موجود افزوده شود. نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس پیش‌بینی کرد که تنها ۱۰/۷۷ درصد به تورم موجود افزوده شود. یعنی نرخ تورم به حدود ۳۰ درصد برسد. درحالی که در همین مدت چندروزی که از تصویب اصلاحیه دولت میگذرد، روز بروز ارزش ریال کاهش یافته، بر بهای‌ارزهای خارجی افزوده شده و متناسب با آن قیمت کالاها نیز افزایش یافته است.

درحالی که از طریق استقراض از خارج و استقراض از بانک مرکزی کوشیده است هزینه ورشکستگی مالی خود را بردوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد، مالیات‌ها را نیز افزایش داده است. این مالیات‌ها را خواه به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم توده‌های زحمتکش مردم باید بپردازند. مالیاتی که سرمایه‌داران میپردازند، آن قدر ناچیز است که باید گفت، آنها چیزی نمیپردازند. بورژوازی تجاری که نمایندگان قدرتمندی در دستگاه دولتی دارد، حتی مبلغ ناچیزی را هم که سالانه باید بپردازد، نمی‌پردازد. در اعتراض به پرداخت مالیات اعتصاب هم میکنند. مطبوعات رسمی رژیم می‌نویسند که آنها از پرداخت صدها میلیارد ریال سر باز میزنند. بورژوازی صنعتی هم بیچاره! قادر به پرداخت مالیات نیست و اخیراً در روزنامه‌های رژیم نوشته شده که اگر قراض است، بهبودی در اوضاع اقتصادی صورت بگیرد باید مالیات صاحبان موسسات تولیدی و صنعتی بخشوده شود. پس، باقی می‌ماند کارگران و بخششانی از حقوق بگیران و خرده بورژوازی فقیر و زحمتکش که باید درآمدهای مالیاتی دولت را تامین کنند. راه سهل الوصول آن نیز برای دولت، از طریق مالیات غیر مستقیم و افزایش بهای کالاها و خدماتی است که در انحصار دولت‌اند.

در اصلاحیه دولت راه دیگری نیز برای جبران کسری بودجه در نظر گرفته شده است و آن صرفه جوئی در هزینه‌های دولتی به میزان ۲۰۰۰ میلیارد ریال است. اما در اینجا هم این صرفه جوئی در هزینه‌های بوروکراسی، نیروهای سرکوب انتظامی و نظامی و امنیتی و غیره و ذلک نیست، بلکه صرفه جوئی در هزینه‌های عمرانی و تولیدی و آن بخششانی است که به منافع توده‌های مردم مربوط میگردد. در لایحه اصلاحیه دولت رقم اعتبارات عمرانی از ۳۰ هزار و ۶۱۷ میلیارد ریال به ۲۴ هزار و ۵۹۸ میلیارد ریال کاهش یافته است. نتیجه دست به نقد این صرفه جوئی نیز بیکار شدن هزاران کارگر است.

بنابراین بدیهی است که دولت از طریق اصلاحیه بودجه کوشیده است، بار ورشکستگی مالی خود را بردوش کارگران و زحمتکشان ایران بیاندازد. اما گذشته از این جنبه، بحران مالی رژیم که چشم

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۴)

دوران اترناسیونال دوم

پرولتاریای روسیه در انقلاب ۱۹۰۵

و نه "پدر ملت". لذا همان کارگرانی که روز ۹ ژانویه در یک راهپیمایی مذهبی برای تقدیم عریضه و دادخواست خود به تزار شرکت کرده بودند، روز ۱۰ ژانویه، با شعار "مرگ بر تزار"، "مرگ یا آزادی" به خیابانهای پتروگرادرختند، با نیروهای مسلح درگیر شدند و حتی به چند انبار اسلحه یورش بردند. این شعارها به سرعت سراسر روسیه را فرا گرفت. کارگران در مناطق و شهرهای دیگر نیز بپا خاستند. در پی اعتصاب عمومی کارگران پترزبورگ در ۱۰ ژانویه، کارگران مسکو نیز دست به اعتصاب زدند. روز ۱۳ ژانویه، کارگران ریگا یک اعتصاب را همراه با تظاهرات برپا نمودند. این تظاهرات به درگیری و زد و خورد انجامید. نیروهای نظامی به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند. تعداد ۷۰ تن از کارگران کشته و حدود ۲۰۰ تن زخمی شدند. مجموعاً در ماه ژانویه ۴۴۰۰۰ کارگر در اعتصابات شرکت نمودند. (۵۳) دامنه این اعتصابات مداوماً گسترش یافت و تا ماه مه عمده ترین مراکز و شهرهای صنعتی روسیه را فرا گرفت. مهمترین این اعتصابات در ایوانو _ ورنسنسک صورت گرفت. اعتصاب در ایوانو _ ورنسنسک در ۱۲ مه آغاز شد. ۷۰۰۰۰ کارگر به اعتصاب پیوستند. این اعتصاب ۷۲ روز بطول انجامید. در جریان همین اعتصاب بود که نخستین شورای نمایندگان کارگران شکل گرفت که ۱۱۰ نماینده از کارخانه های مختلف در آن حضور داشتند. در اینجا، کمیته اعتصابی که به منظور رهبری و هماهنگی اعتصابات پدید آمد، از محدود یک کمیته اعتصاب معمولی با وظیفه هماهنگی و رهبری اعتصابات، فراتر رفت. کمیسیون های ویژه ای تشکیل داد که وظیفه حزب نظم در شهر، کنترل قیمت ها و توزیع وجوهی را که پرولتاریای شهرهای دیگر به رسم کمک و همبستگی ارسال کرده بودند، برعهده داشتند. شورا همچنین دست به سازماندهی یک ملیشایی کارگری زد. (۵۴) برغم این اقدامات، مطالبات این شورا عمدتاً اقتصادی بود و هنوز یک شورا به معنای واقعی کلمه نبود.

پس از اعتصاب ایوانو _ ورنسنسک، مهمترین اعتصاب، در ماه ژوئن در لودز شکل گرفت. اعتصاب کارگران لودز با مطالبه افزایش دستمزد و نیز کاهش ساعات کار آغاز گردید و سریعاً به یک اعتصاب عمومی تبدیل شد. پس از سرکوب خونین کارگران ایوانو _ ورنسنسک توسط ارتش، کارگران لودز با نیروهای سرکوب تزار درگیر شدند. با خلع سلاح تعدادی از نیروهای ارتش و سنکر بندی در خیابانها، با نیروهای نظامی به نبرد پرداختند. نبرد خیابانی کارگران لودز سه روز دوام آورد.

اعتصاب کارگران ایوانو _ ورنسنسک و لودز، مرحله نوینی در رشد و ارتقا جنبش کارگری در روسیه بود. این اعتصابات بویژه از این جهت حائز اهمیت بودند که کارگران نساجی با کمیت وسیع شان به جنبش اعتصابی پیوسته و به جنبش سراسری کارگران در مبارزه علیه تزاریسم ابعدنوبی میباند.

تا این مقطع، دیگر عملاً نشان داده شده بود که طبقه کارگر روسیه و در پیشاپیش آن متجاوزان ۳ میلیون کارگر صنعتی، یگانه نیروی پیگیر و پیشتان در مبارزه و رهبر بلا منازع انقلاب است. تحت تاثیر مبارزات و اعتصابات وسیع کارگران، اقشار دیگر خلق نیز به حرکت درآمدند. دهقانان در بخش وسیعی از روسیه دست به شورش زدند و جنبش دهقانان بویژه در اوکراین، گرجستان، اطراف ولگا، و سواحل بالتیک اوج گرفته بود. محصلین و دانشجویان، روشنفکران و گروههای از مستخدمین به جنبش مبارزه علیه تزاریسم پیوسته بودند. در نیروهای مسلح تزاری نیز نارضایتی و اعتراض بالا گرفته بود. در ژوئن ۱۹۰۵، ناویان رزمناو پوتمکین دست به شورش زدند. جنبش کارگری در پائیز با اعتلا نوینی روبرو گردید. اعتصاب کارگران چاپخانه های مسکو در ماه سپتامبر حاکی از رشد و اعتلا جنبش کارگری به مرحله ای نوین بود. چرا که این اعتصاب مورد حمایت و پشتیبانی تمام کارخانه های مسکو قرار گرفت. و در پی آن یک اعتصاب عمومی سیاسی شکل گرفت. موج این اعتصاب به سن پترزبورگ و برخی شهرهای دیگر نیز کشید. در ۱۶ اکتبر، کارگران راه آهن مسکو - غازان اعلان اعتصاب نمودند. این اعتصاب، سراسر راه آهن روسیه را فرا گرفت. کارکنان وسائل حمل و نقل شهری، برق و تلفن نیز به اعتصاب پیوستند. حدود ۲ میلیون نفر، در اعتصاب عمومی سیاسی اکتبر شرکت داشتند، (۵۵) که بیش از یک میلیون آن را کارگران صنعتی تشکیل میدادند. (۵۶) اکنون دیگر کارگران با ابتکار و اتوریته انقلابی خویش، آزادی را به دست آورده بودند و عملاً مطالبه ۸ ساعت کار را به مرحله اجرا گذاشته بودند.

در ادامه موج اعتصابات کارگری که از ۱۹۰۱ روسیه را فرا گرفت، سال ۱۹۰۵ با یک موج اعتصاب و اعتراض کارگری جدید آغاز گردید که بسی وسیع تر و گسترده تر از سالهای گذشته بود.

در سوم ژانویه ۱۹۰۵، دوازده هزار تن از کارگران کارخانه های اسلحه سازی پوتیلف، باردیگر دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب، مقدم بر هر چیز از روحیه احساسات عالی پرولتاری در زمینه همبستگی کارگری ناشی میشد. اعتصاب در اعتراض به اخراج ۴ تن از کارگران آغاز گردید. در صدر مطالبات کارگران اعتصابی پوتیلف بازگشت کارگران اخراجی قرار داشت. اما علاوه بر این، کارگران، خواهان تقلیل ساعات کار به ۸ ساعت در روز، افزایش دستمزد و تشکیل کمیسیونی از منتخبین کارگران شده بودند که بر امر اخراج کارگران و امور بهداشتی در کارخانه نظارت داشته باشد. اعتصاب کارگران پوتیلف مورد حمایت کارگران دیگر در سن پترزبورگ قرار گرفت. این اعتصاب در عین حال محرکی برای برپایی اعتصاب در کارخانه های دیگر بود. در مدتی کوتاه گروه کثیری از کارگران کارخانه های سن پترزبورگ دست به اعتصاب زدند و در فاصله کوتاه ۵ روز، یک جنبش اعتصابی گسترده پایتخت را فرا گرفت. "در طی ۵ روز از ۴ تا ۸ ژانویه تعداد کارگران اعتصابی ده برابر شد به ۱۵۰۰۰ رسید." (۵۰)

در این شرایط که اعتصابات به سرعت گسترش می یافت و نارضایتی و اعتراض کارگری ابعاد کم نظیری بخود می گرفت، تشکل های پلیسی زوبیواتوفی، کوشیدند تا ابتکار عمل را به دست بگیرند و جنبش طبقاتی کارگران را منحرف سازند. "مجمع کارگران کارخانه های روس" که کشیش گاپون در رأس آن قرار داشت، کارگران سن پترزبورگ را فراخواند که روز ۹ ژانویه به سوی کاخ زمستانی تزار راهپیمایی کنند و عریضه ای را که مشتمل بر مطالبات آنهاست، به "پدر ملت" تقدیم کنند.

کارگران آگاه و پیشرو سوسیالیست که ماهیت تزار و "مجمع کارگران کارخانه های روس" را بخوبی می شناختند، کوشیدند با تبلیغات خود در میان توده های کارگر، نقشه های گاپون را برملا سازند. اما در آن ایام هنوز اکثریت کارگران در نا آگاهی و توهم قرار داشتند و دعوت گاپون را پذیرفتند. با این وجود کارگران پیشرو و عضو حزب سوسیال _ دمکرات کارگری روسیه با مداخله فعال در مجامع کارگری که مطالبات رامورد بحث قرار میدادند کوشیدند این مطالبات را ردیال کنند. لذا در عریضه ای که تنظیم شد، تشکل مجلس موسسان بر اساس حق رای برابر، مستقیم و مخفی، "خواست عفو محکومان سیاسی، آزادی مبارزه کار و سرمایه، آزادی مردم، تساوی افراد در برابر قانون، آزادی مبارزه کار و سرمایه، آزادی مذهب، ۸ ساعت کار در روز" و برخی مطالبات دیگر گنجانده شده بودند. این عریضه چنین پایان می یافت: "ما دیگر تاب تحمل نداریم. ما به آن لحظه هولناکی رسیده ایم که برایمان مرگ بهتر از ادامه این رنج های توان فرساست. در برابر ما تنها دو راه وجود دارد. یا آزادی و خوشبختی یا گورستان..." (۵۱)

روز ۹ ژانویه حدود ۱۴۰۰۰۰ کارگر و خانواده های آنها، در راه پیمایی به سوی کاخ تزار شرکت کردند، تا دادخواست خود را به تزار تقدیم کنند. اما تزار پاسخ کارگران را با گلوله داد. نیروهای مسلح تزار راهپیمایان را به گلوله بستند و چنان قتل عامی براه انداختند که آن روز، یکشنبه خونین نام گرفت. در این روز حدود ۲۰۰۰ تن از زن و مرد و کودک کشته و در همین حدود زخمی شدند.

ابعاد این قتل عام جنایتکارانه تزار چنان بود که کشیش گاپون نیز فردای روز قتل عام اعلام کرد که "ما دیگر تزار نداریم. امروز دریائی خون، او را از مردم جدا می سازد. اکنون زمان آن است که کارگران روسیه، بدون او برای آزادی سیاسی مبارزه کنند." اما بقول لنین: "این صدای کشیش گاپون نبود. این صدای آن هزاران هزار و میلیونها میلیون کارگران و دهقانان روسیه است که تا همین دیروز از روی خامی و نا آگاهی به پدر، تزار اعتماد داشتند و نجات از این سرنوشت تحمل ناپذیر را از "خود" پیرمان تزار درخواست میکردند." (۵۲)

در یکشنبه خونین پترو گراد، ارتش تزار، کارگران، زنان و کودکانی را "شکست" داد که در یک راهپیمایی آرام و مسالمت آمیز برای تظلم خواهی، بسوی "پدر ملت" دست دراز کرده بودند. اما این شکست کارگران نبود. شکست آخرین توهما تری حتی در صفوف عقب مانده ترین کارگران بود. کارگران در این یکروز به اندازه دهها سال آموزش دیدند و درس آموختند. یکشنبه خونین پترو گراد به کارگران آموخت که تزار دشمن "ملت" است

انجام داده بودند. علاوه بر این در جنب شورای مسکو، شورای نمایندگان سربازان نیز شکل گرفته بود که می توانست نقش مهمی در جریان قیام مسلحانه ایفا نماید. لذا مجموعاً در مسکو شرایط برای قیام مسلحانه آماده بود و هر لحظه امکان داشت کارگران دست به اسلحه ببرند. با بحرانی شدن اوضاع، شورای نمایندگان کارگران مسکو در اوائل دسامبر دعوت به اعتصاب عمومی سیاسی نمود. این اعتصاب از ۷ دسامبر آغاز و تا ۹ دسامبر متجاوز از ۲۰۰۰۰۰ کارگر به اعتصاب پیوسته بودند. اعتصاب عمومی سیاسی مسکو که توأم با تظاهرات بود، به درگیری و زدوخورد کارگران با نیروهای ارتش انجامید. عصر ۹ سپتامبر کارگران مسکو نخستین بار یگان را برپا کردند. تا فردای آن روز تمام مسکو سنگر بندی شد. کارگران به قیام مسلحانه برخاسته بودند. زدو خورد با نیروهای نظامی تشدید شد. برغم این که بلشویک ها از مدتها پیش، به تدارک قیام پرداخته بودند، اما در عمل نشان داده شد که جنبش کارگری بسی فراتر رفته است. در جریان قیام، کارگران قهرمانانه با نیروهای نظامی تزار جنگیدند. کارگران در جریان این قیام، تاکتیک های نوینی را در نبرد خیابانی به خدمت گرفتند. جوخه های رزمی با استفاده از تاکتیک های چریکی، نیروهای نظامی دشمن را مورد حمله قرار میدادند. و ضربات جدی به آنها وارد می ساختند. نیروهای نظامی مستقردر مسکو از مقابله با کارگران مسلح باز مانده بودند. چندین هزار نیروی نظامی امدادی به مسکو اعزام شد تا قیام کارگران را درهم بشکنند. کارگران ۹ روز جنگیدند و مقاومت کردند. تنها در ۱۵ دسامبر بود که نیروهای دولتی برتری بدست آوردند و روز ۱۷ سپتامبر آخرین سنگر کارگران از خیابان پرسنیا برچیده شد. نیروهای مسلح تزار قیام مسکو را درهم شکستند.

در جریان قیام مسلحانه کارگران مسکو، کارگران برخی از شهرهای دیگر نیز در حمایت از کارگران مسکو، دست به قیام زدند. ۱۲ دسامبر در نیژنی نووگورود قیام مسلحانه صورت گرفت. ۱۳ دسامبر قیام، شهر رستف را در برگرفت. در نوراسیسک اعتصاب به قیام انجامید. در کراسنو یارسک، شورای کارگران و سربازان تشکیل شده و وظائف حکومت انقلابی را برعهده گرفت. در چیتا، پادگان شهر به کارگران پیوست و شورای نمایندگان سربازان و قزاقان حکومت شهر را عملاً در دست داشت. (۶۰) اما پترزبورگ که می توانست نقش مهمی در تغییر توازن قواو شکست قطعی تزاریسم ایفا نماید به قیام برخاست. شورای پترزبورگ عمدتاً تحت رهبری جناح منشویک حزب قرارداد داشت که تمایلی به برپائی قیام نداشت. از این گذشته در سوم دسامبر، نیروهای نظامی تزار با محاصره شورای پتروگراد، گروه کثیری از اعضا آن را دستگیر کرده بودند. لذا فراخوان گروهی از کارگران به قیام، بدون جواب ماند. قیام کارگران مسکو درهم شکست. هرچند که این قیام نقطه اوج انقلاب بود و پس از آن قوس نزولی انقلاب آغاز میگردد، اما این بدان معنا نبود که جنبش کارگری بطور کلی سرکوب شده و انقلاب با شکست قطعی روبرو شده است. تظاهرات و اعتصابات کارگری در سال ۱۹۰۶ همچنان ادامه یافت. دومین کنفرانس سراسری اتحادیه های کارگری که نماینده ۲۰۰۰۰۰ کارگر بود، برغم غیر قانونی بودن اتحادیه ها، در فوریه ۱۹۰۶ تشکیل گردید. (۶۱) رژیم تزاری زیر فشار مبارزه کارگران مجبور شد در ماه مارس ۱۹۰۶ اتحادیه ها را قانونی کند، هرچند که بازهم محدودیت هایی برای فعالیت های کارگران قائل شد، از جمله این که اتحادیه های نمی توانستند برای افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار از حربه اعتصاب استفاده کنند. اما کارگران بدون توجه به این محدودیتها به اعتصاب ادامه دادند به نحوی که تنها در سال ۱۹۰۶ موسسات تحت نظارت بازرسی کارخانه ها ۱۱۰۸۰۰۰ کارگری که در اعتصاب شرکت کرده اند ثبت شده اند. (۶۲) در طول سال ۱۹۰۶ علاوه بر اعتصابات گسترده کارگری، جنبش های دهقانی نیز همچنان تداوم یافت. شورش هایی در نیروهای مسلح تزار صورت گرفت و در ماه ژوئیه ۱۹۰۶ ناویان و سربازان در کرنشتات دست به قیام زدند. نبردهای پراکنده پارتیزانی و حملات نظامی جوخه های رزمی به نیروهای نظامی و باندهای سیاه نیز ادامه داشت. تنها با کودتای سوم ژوئن ۱۹۰۷، انحلال دوما و برچیدن ته مانده آزادی ها بود که انقلاب با شکست قطعی به پایان رسید.

(ادامه دارد)

زیر نویس ها:

- ۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۲، جنبش بین المللی طبقه کارگر_ جلد سوم
- ۵۱، تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی
- ۵۲، ۵۶، ۶۰، تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی
- ۵۳، روزهای انقلاب_ لنین
- ۶۱، تاریخ مختصر جنبش جهانی اتحادیه ای_ ویلیام فاستر

← از بطن اعتصاب عمومی سیاسی اکتبر، شوراهای نمایندگان کارگران سر بر آوردند. در ۱۳ اکتبر، کارگران سن پترزبورگ دست به ابتکار تاریخی عظیم خود زدند. نمایندگان کارگران از کمیته های مختلف اعتصاب، در یک نشست مشترک، از کارگران سن پترزبورگ خواستند. که نمایندگانی را برای عضویت در شورای شهر انتخاب کنند. نخستین اجلاس شورا، پس از این فراخوان با حدود ۹۰ نماینده از ۴۰ کارخانه تشکیل گردید. این شورا در اندک مدتی گسترش یافت به نحوی که پس از اجلاس دوم ۲۶۶ نماینده از ۹۶ کارخانه و ۵ اتحادیه در آن حضور داشتند. این ارقام بعداً به ۵۶۲ نماینده از ۱۸۱ کارخانه و کارگاه و ۱۶ اتحادیه رسید. شورای سن پترزبورگ از میان خود یک کمیته اجرایی برگزید که مسئول رتق وفتق امور روزمره و پیشبرد مصوبات و وظائف شورای نمایندگان بود. ایزوستیا نیز به عنوان ارگان شورا منتشر گردید. اندکی پس از تشکیل شورای نمایندگان کارگران در سن پترزبورگ، شورای نمایندگان کارگران مسکو نیز تشکیل گردید که کارگران پنج رشته فلز، راه آهن، نجاری، چاپخانه ها و دخانیات نقش فعالی در تشکیل آن داشتند. علاوه بر سن پترزبورگ و مسکو، شوراهای در بیش از ۵۰ شهر محل اسکان کارگران شکل گرفتند. (۵۷) این شوراهای محض تشکیل، کنترل اداره امور شهر را در دست میگرفتند. به خدمات شهری نظم میدادند، توزیع مواد غذایی را سازمان میدادند. نظم را در شهر برقرار می ساختند و پاره ای از مطالبات کارگران از جمله ۸ ساعت کارروانه را معمول می ساختند. عموماً در این شوراهای هژمونی با پرولتاریای صنعتی بود که عمدتاً کارگران سوسیال دمکرات بودند.

به عنوان نمونه: ۵۶۲ نماینده از ۱۴۷ کارخانه، ۳۴ کارگاه و ۱۱۶ اتحادیه پایتخت به عضویت شورای پترزبورگ انتخاب شده بودند. مجموعاً، شورا نماینده ۲۵۰۰۰۰ کارگر سن پترزبورگ بود. در میان نمایندگان، ۳۵۱ تن کارگران فلز، ۵۷ کارگر نساجی و ۳۲ کارگر چاپ بودند. از این تعداد ۶۵ درصد اعضا حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، ۱۶ درصد اس ار و ۲۲ درصد بدون وابستگی حزبی بودند.

"از ۱۷۰۹ نماینده ۳۱ شورا، ۱۳۱۸ تن کارگران صنعتی (۷۷ درصد)، ۷۳ تن کارگران یقه سفید، ۵۶ تن نمایندگان اتحادیه های روشنفکران خرده بورژوا، ۱۲ پزشک و ۱۱ معلم و دانشجو بودند. در تعدادی از شوراهای دهقانان، سربازان و مولانان نیز حضور داشتند." (۵۸)

طبقه کارگر روسیه، در بطن انقلاب و همزمان با ایجاد شوراهای به عنوان ارگانهای اعمال حاکمیت انقلابی، تشکیل های صنفی خود را نیز ایجاد نمود. طبقه کارگر که آزادی سیاسی را با نبرد در خیابانها بدست آورده بود، آزادانه دست به کار ایجاد اتحادیه های کارگری زد. نخست، کارگران چاپخانه های مسکو، اتحادیه خود را تشکیل دادند و سپس اتحادیه های دیگر شکل گرفتند. اتحادیه کارگران فلز در سن پترزبورگ و کمی بعد در خارکف، نیژنی نووگورود و اورال، اتحادیه کارگران نساجی، اتحادیه سراسر کارگران راه آهن یکی پس از دیگری تشکیل شدند. تا پائیز ۱۹۰۵ حدود ۴۰ اتحادیه کارگری با ۳۰۰۰۰ عضو در سن پترزبورگ شکل گرفته بودند. (۵۹) در ماه سپتامبر، نخستین کنفرانس سراسری اتحادیه ها در مسکو تشکیل گردید که نمایندگان ۲۶ اتحادیه و گروه کارگری از مسکو و ۱۰ اتحادیه از شهرهای دیگر در آن حضور داشتند. در نوامبر ۱۹۰۵ دفتر مرکزی اتحادیه های سن پترزبورگ سازمان یافت که نمایندگان آن عضو شورای سن پترزبورگ نیز بودند.

رشد و اعتلا جنبش کارگری، اعتصاب عمومی سیاسی اکتبر، و شکل گیری شوراهای نمایندگان کارگران، تزار را به شدت هراسناک نمود. همان تزاری که چند ماه پیش، راه پیمائی مسالمت آمیز کارگران را به خون کشیده بود، اکنون تاکتیک دیگری در پیش گرفته بود و درحالی که مردم خود، آزادی را با نبرد و بدون نظر و موافقت مقامات بدست آورده بودند، و عده آزادی را به مردم میداد. پس از شکست دومای مشورتی بولگین که با تحریم وسیع کارگران و زحمتکشان روبرو شده بود، تزار بیانه ۱۷ اکتبر را صادر کرد. بیانه ۱۷ اکتبر تزار هدف دیگری جز کند کردن لبه تیز مبارزه کارگران را نداشت. اما کارگران دیگر نه به تزار اعتماد و یا توهم داشتند و نه به وعده هایش، در مورد آزادی و دومای جدید. کارگران در تدارک سرنگونی تزار و کسب قدرت سیاسی بودند.

جناح بلشویک حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه که تمام روند تحول انقلاب تأییدی بر صحت استراتژی و تاکتیک های آن بود، تدارک نظامی قیام را در دستور کار قرار داده بود و پیگیرانه کارگران را به قیام برای سرنگونی تزاریسم دعوت میکرد. در این میان مسکو، برای قیام آماده تر از هر جای دیگر بود. در شورای مسکو، برخلاف شورای پترزبورگ که در آن منشویکها دست بالا را داشتند و به اشکال مختلف مانع از رادیکال شدن شورامیشدند، بلشویکها نقش رهبری کننده را داشتند. در اینجا شورا آمادگی بیشتری داشت که به ارگان قیام تبدیل شود. از نظر تدارک نظامی قیام، کمیته مسکو حزب، که عمدتاً بلشویک بودند، اقداماتی

ستون مباحثات

- کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کاربه ابراز نظرات مدافعین سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاص یابد.
- مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب میگردد.
- هر مقاله‌ای که برای درج در این ستون ارسال میگردد حد اکثر میتواند حدود ۲۰۰۰ کلمه یا دو صفحه نشریه کار باشد.

از رد قطعنامه کمیته مرکزی تا نفی واقعی سیاستهای راست روانه

نگاهی اجمالی به سومین کنگره اتحاد فدائیان خلق ایران

سافخا هم نیست. مقصود بیشتر، یکی تجسم آن فضائی است که رفقای سافخا در آن فضا به استقبال کنگره میروند و بعد هم ملاحظه آن واکنشی است که شرکت کنندگان در کنگره، در برابر مشی راست روانه کمیته مرکزی از خود نشان میدهند.

بهر حال طبق گزارش برگزاری این کنگره و همانطور که انتظار میرفت، مسئله انتخاب خاتمی، اوضاع سیاسی و تحولات جاری جامعه، یعنی همان موضوعاتی که (ک. م) سافخا را به اتخاذ یک سیاست عمیقاً راست روانه و رویکرد به شعارهای حزب توده و اکثریت کشانده بود و این سیاست با وضوح آشکاری در قطعنامه پیشنهادی آن تجلی می یافت، به "مهمترین موضوع مورد بحث کنگره" (۳) تبدیل شد و "بیشترین زمان نسبی را نیز بخود اختصاص داد." (۴) گرچه کمیته مرکزی قطعنامه پیشنهادی خود را چه به لحاظ برخورد هائی که از بیرون با آن شده بود و چه بویژه بعزت مخالفت و برخوردهای درونی این سازمان و مقاومت بدنه در برابر آن که در مباحث پیش کنگره نیز انعکاس یافته بود، بخشا تغییر داد و به منظور زدن وسائیدن تیزی ها و برجستگی هائی که مشی راست روانه آن را سریع و بیواسطه توی چشم میزد، در این قطعنامه به جرح و تعدیل هائی نیز تن داد! و سرانجام با عنوان "اوضاع سیاسی و وظائف ما" (۵) به کنگره ارائه نمود، اما با این حال این قطعنامه بیشتر از ۴۷ درصد آرا را کسب نکرد. تصویب این قطعنامه درواقع امرتغییر کلی مشی انقلابی این سازمان و تبدیل آن به یک جریان رفرمیستی بود که کنگره خوشبختانه این قطعنامه را تصویب نکرد.

در برابر این گرایش بالنسبه قوی رفرمیستی، قطعنامه دیگری ازسوی گرایش انقلابی حاضر در کنگره با عنوان "وظائف ما در شرایط کنونی" (۶) به کنگره ارائه شده بود که این قطعنامه نیز متاسفانه نتوانست آرا لازم را کسب کند و فقط ۴۴ درصد آرا را بخود اختصاص داد. توازن نیروهای دعوت شده دو گرایش یادشده به کنگره، بنحوی نبود که یکی از این دو بتواند نقش تعیین کننده‌ای در تعیین قطعی مشی سیاسی سافخا داشته باشد و مهر خویش را تمام عیار بر آن بکوبد. حتی تعیین دو کمیسیون جدا گانه برای دریافت و بررسی اصلاحات و تغییرات این قطعنامه ها و ارائه مجدد آن به کنگره نیز گاهی از کار ننگشود و در دوردوم نیز هیچکدام آرای لازم را بدست نیاورد. تا اینکه کمیسیون جدیدی مرکب از هردوگرایش تشکیل میشد و این کمیسیون با استفاده از مفاد مطروحه در قطعنامه های تصویب نشده هردو گرایش، قطعنامه دیگری تهیه و به جلسه ارائه میکند که سرانجام همین قطعنامه ثالث با عنوان "اوضاع سیاسی و وظائف ما" (۷) با ۸۱ درصد آرا به تصویب می رسد.

هرچند قطعنامه مصوب، به نوعی معدل گیری از دیدگاههای هر دو گرایش است! هرچند که این قطعنامه بنحوی تنظیم شده است که گرایش راست میتواند از خلل و فرج آن به نفع سیاستهای رفرمیستی خود از آن استفاده نماید! هرچند که این قطعنامه شفافیت لازم را ندارد و مواضع مطروحه در آن، هنوز با مواضع یک نیروی چپ رادیکال خیلی فاصله دارد! اما این قطعنامه هرچه هست لاقدر آن بر "افشای تلاشهای خاتمی برای حفظ چارچوب رژیم" بر "سازماندهی جنبش های اعتراضی و تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل توده‌ای" بر "مبارزه علیه کلیت رژیم" و سرانجام بر "تشدید مبارزه برای ایجاد یک آلترناتیو انقلابی دمکراتیک جهت سرنگونی جمهوری اسلامی"

سومین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (از این پس سافخا)، در تیر ماه ۷۷ برگزار گردید. این کنگره، اگر چه طبق روال معمول برگزار میگردید، اما مصادف شدن آن با تحولات بعد از انتخابات ریاست جمهوری و ظهور پدیده خاتمی، خصوصاً از جنبه بحث های مطروحه در این زمینه و تأثیرات آن بر روی نیروهای اپوزیسیون، به این کنگره و مصوبات آن، اهمیت ویژه‌ای میداد. واقعه دوم خرداد همانطور که میدانیم، راست روی بلاواسطه بسیاری از جریانات اپوزیسیون را در پی داشت. در آغاز، گر چه این جریانات بورژوائی و راست ترین سازمانها و گرایشهای سیاسی باصلاح اپوزیسیون بودند که به حمایت و دنباله روی از جریان خاتمی روی آوردند، اما قضیه در این محدوده باقی نماند و به سرعت دامن پاره‌ای از جریانات چپ و انقلابی را نیز گرفت. رفقای سافخا بویژه رهبری آن نیزولو با کمی تاخیر و دودلی، در برابر این حادثه سیاسی حساسی خود را باختند و با نشان دادن ناپایداری عمیق خود، در این مسیر گام نهادند.

کمیته مرکزی (ک. م) سافخا که انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرده بود، بلافاصله بعد از این واقعه، یعنی در پلنومی که تیر ماه ۷۶ برگزار نمود، با دستپاچگی ویژه‌ای که حکایت از تمایل به جبران مافات میکرد، از "ضرورت" "بازبینی سیاستها" (۱) این سازمان سخن به میان آورد. با اینهمه علی رغم تاکید بر "بازبینی سیاستها" که هنوز حرف و عبارتی کلی بود، کمیته مرکزی در آن مقطع در مجموع از تاکتیک تحریم دفاع نمود و فقط اقلیت محدودی از کمیته مرکزی این سازمان بود که تاکتیک تحریم را اشتباه میدانست و از اتخاذ چنین سیاستی نادم و شرمگین بود. معذرا دیری نپائید تا پرده از روی عبارت کلی "بازبینی سیاستها" کنار زده شود تا مفهوم واقعی این عبارت، همچنین هدف نهائی (ک. م) نیز در معرض دید همگان قرار بگیرد.

قضیه از این قرار بود که (ک. م) سافخا، مطلبی را با عنوان "انتخابات دوم خرداد، شعارهای تاکتیکی و وظائف ما" (۲) در نشریه اتحاد کار بعنوان مباحث پیش کنگره به چاپ رساند، تا کنگره روی آن بحث و تصمیم گیری نماید. هرکس این نوشته و یا قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی را ولو با اندکی دقت مطالعه کرده باشد، یقیناً این موضوع را نیز متوجه شده است که چگونه ظرف چند ماه، سیاست راست روانه اقلیت کمیته مرکزی به کل کمیته مرکزی این سازمان تسری یافته‌است. مواضع عمیقاً راست‌اتخاذ شده در این نوشته و توجیهاتی که (ک. م) برای آن تراشیده بود به جرات میتوان گفت که در تمام طول حیات این سازمان بیسابقه بود. کمیته مرکزی در این شاهکار، با توجیهات عدیده شبه اکثریتی و حتی با استفاده از الفاظ و کلمات بدیع و نو ظهیری نظیر "مرتفع" نمودن و یا "بلعیدن" جمهوری اسلامی البته بجای براندازی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، سعی کرده است تا بی فایده بودن این مقوله اخیر یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی را اثبات کند، سافخا را به دنباله روی از جریانات حکومتی بکشاند و مبارزه آن را در چارچوب شرایط موجود و نظام جمهوری اسلامی محدود سازد و خلاصه با رونویسی از روی دست حزب توده، شعار "الغا ولایت فقیه" را به شعار و سیاست محوری سافخا تبدیل کند.

در اینجا هدف، پرداختن به تمام مباحث مطروحه در این شاهکار کمیته مرکزی سافخا نیست. سازمان ما در ستون ازمیان نشریات کار ۳۱۱ با این نوشته برخورد کرده است و علاقه مندان میتوانند به آن مراجعه نمایند. افزون بر این قصد من در اینجا پرداختن به تمام مسائل و مباحث مطروحه در کنگره

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

سازمان عملا همان سیاست راو یا تقریبا همان سیاست را بطور غیر رسمی پیش برده ، از افشای دارو دسته خاتمی و بلوک ارتجاعی حامی وی خودداری ورزیده و حملات خویش را اساسا متوجه یک جناح رژیم نموده است. بنابر این صرف نظر از خلل و فرج موجود در قطعنامه مصوب کنگره که به ک. م امکان میدهد به نفع سیاستهای راست روانه خود از آن استفاده نماید، باید در نظر داشت که ترکیب دو گرایش اصلی با توجه به در صد آرا (۴۴٪ و ۴۷٪) که وزن هریک را نشان می دهد ، همچنین با توجه به اینکه گرایش راست اساسا در کمیته مرکزی که پیش برنده سیاستها هم هست تراکم یافته است ، احتمال شکنندگی مواضع بالاست و این ها می تواند زمینه مساعدی برای لغزندگی از مواضع فراهم کند. در هر حال رد قطعنامه کمیته مرکزی زمانی امیدوار کننده است که سازش های نظری دو جانبه ، در عمل به نفع جریان راست و مخالف سرنگونی رژیم رقم نخورد !

نکته آخر : آخرین نکته ای که پیرامون رد قطعنامه کمیته مرکزی در سومین کنگره سافخا و دفاع کنگره از سرنگونی رژیم و مشی انقلابی تا کنونی این سازمان، به اختصار میتوان بدان اشاره کرد اینست که نفی شعارهای حزب توده و اکثریت، تاکید بر جنبش های اعتراضی و جنبش های مستقل توده ای، تاکید بر مبارزه علیه کلیت رژیم و . . . اگرچه تماما نکات درست و درخور اهمیتی هستند ، اما هنوز در هویت دادن به یک سازمان بعنوان جریانی رادیکال و انقلابی بویژه جریانی که خود را چپ و کمونیست میدانند بهیچوجه کافی نیست! یک نیروی حقیقتا انقلابی، نیروی چپ رادیکال در برخوردش به رژیم سیاسی حاکم نمی تواند و نباید صرفا در حد یک اقدام و نگرش سلبی در جا بزند ، ضرورت دگرگونیهای عمیق اجتماعی را از قلم انداخته و رژیم سیاسی ایجابی را بفراموشی بسپرد. چنین نیروی روشن است که نمیتواند و نباید در حد تاکید بر مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی توقف کند. یک نیروی حقیقتا انقلابی ، جریانی که چپ و رادیکال است نه فقط بایستی در تاکیدات و کوبیدن مداومش بر انقلاب و براندازی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی، بلکه از این هم مهتر می بایستی در نوع حکومت جایگزین و مختصاتی که برای چنین حکومتی قائل است نیز، انقلابی بودن، چپ بودن و رادیکال بودن خود را نشان بدهد .

با تاسف باید گفت که جای یک چنین آلترناتیوی بکلی در مصوبات کنگره سافخا خالی است. کنگره براستقرار یک "جمهوری" (؟) خشک و خالی و بعنوان حکومت جایگزین تاکید نموده است و جمهوری خشک و خالی یا جمهوری بطور کلی هر چه هست آلترناتیوی که امروز کمونیستها و چپ های رادیکال برای آن میارزه میکنند نیست. برخورد به این نوع حکومت آلترناتیو بررسی این موضوع که "جمهوری" چیست ؟ و متضمن منافع چه کسانی است ، البته تحریر مقاله مستقل دیگری را میطلبد که اگر فرصتی دست بدهد در همین ستون بآن خواهیم پرداخت. در اینجا همین قدر کافی است بگوئیم که نیروی انقلابی ای که حکومت جایگزینش همان حکومت پیشنهادی بورژوا- لیبرال هاست، چپی که آلترناتیو حکومتی اش، همان آلترناتیو راست هاست! این نیروی ولولونکه کنگره اش، گیریم به هر زبانی مباحثات با جمهوری اسلامی را مردود شمرده باشد ، در عمل ، اگرنگوئیم انقلابی بودن، چپ بودن و رادیکال بودن خود را نفی میکند، دست کم ، این موضوع را ثابت می کند که هنوز با نفی واقعی سیاست های راست روانه ، بسیار فاصله دارد!

الف _ جواد زاده

مهرماه ۱۳۷۷

زیر نویس ها:

- ۱_ اتحاد کارشماره ۴۰ ، مرداد ۷۶ _ قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی پیرامون انتخابات.
- ۲_ اتحاد کارشماره ۴۶ ، بهمن ۷۶
- ۳_ اتحاد کارشماره ۵۲ ، مرداد ۷۷ _ گزارش برگزاری سومین کنگره سازمان
- ۴_ اتحاد کارشماره ۵۲ ، مرداد ۷۷ _ تجربه ای دیگر، گامی پیشتر
- ۵_ این قطعنامه ها در اتحاد کار شماره ۵۲ مرداد ۷۷ به چاپ رسیده است.
- ۶_ اتحاد کارشماره ۵۲ ، مرداد ۷۷ _ سند شماره ۱: قطعنامه درباره اوضاع سیاسی و وظائف ما
- ۷_ اتحاد کارشماره ۵۲ ، مرداد ۷۷ _ تجربه ای دیگر، گامی پیشتر

تاکید شده است وافزون براینها دیگر از شعار "الغی و لایق فقیه" و داستان دفاع از "جمهوریت" در برابر "ولایت" و "مرتفع" سازی و "بلعیدگی" جمهوری اسلامی خبری نیست. "الغی و لایق فقیه" شعار مرکزی پیشنهادی کمیته مرکزی که معنایش زدن مهر تائید بر ماندگاری جمهوری اسلامی ولو با محدودیت قدرت ولی فقیه یا آنطور که دوستان ما از آن یاد می کردند تقویت و دفاع از جمهوریت در برابر ولایت بجائی نرسید . شعارهای حزب توده و اکثریت که میرفت جلی خود را در سیاستهای سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران باز کند ، با مقاومت روبرو گردید و کنگره ، در مجموع با زدن دست رد بر سینه قطعنامه کمیته مرکزی ، این سازمان را عجالتا از سقوط کامل در ورطه رفرمیسم نجات داد. این، البته اگرچه نکته مثبت و خوشحال کننده ای است و من شخصا خوشحالم از اینکه مشی راست روانه نتوانست ویا همان بهتر که گفته شود عجالتا نتوانست رسما به مشی غالب این سازمان تبدیل شود ، اما در این رابطه چند نکته قابل ذکر وجود دارد که نمیتوان از کنار آن گذشت.

نکته اول : در نشریه اتحاد کار، این موضوع که در کنگره "اختلاف نظرهای عمیقی" (۸) پیرامون مسائل سیاسی و تحولات روز جامعه وجود داشته است تا آنجا که "بحث و جدل ها گاه بسیار تند" می شده و "صداها بالا می گرفته" (۹) است ، نیز انعکاس یافته و گفته شده است که برغم اینها، کنگره توانسته است اتحاد خود را حفظ کند.

من شخصا بر این باورم که این موضوع را نیز بسان رد قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی بایستی بقال نیک گرفت . بشرط آنکه چنین کوششی که در هر حال کوشش برای جلو گیری از پراکندگی بیشتر در صفوف نیروهای انقلابی و چپ بحساب می آید ، اولاً با زیر گرفته شدن یا نقض اصول مورد اعتقاد دو گرایش مختلف همراه نبوده باشد و این دو ، مصلحتا با یکدیگر سازش نکرده باشند . یعنی همانطور که در نشریه این سازمان هم آمده است که "بواقع برسر اصول اختلاف نبود" (۱۰) برسر اصول واقعا اختلافی نبوده باشد. بدیهی است که در این صورت سازشی هم اگر که صورت گرفته باشد، یک سازش اصولی است و سازش گرایش انقلابی با گرایش رفرمیستی بی آنکه گرایش نخست را به گذشت از اصول خود کشانده باشد، قابل دفاع است و اصولی! در این رابطه اشاره به یک نکته ، شاید خالی از فایده نباشد. اینکه چپ ما، اگرنگوئیم هرچه دارد تجربه انشعاب است، به جرات می توان ادعا کرد که تجربه انشعاب، فراوان دارد! در زمینه اتحاد و همکاری اما دستش بکلی خالی و فاقد تجربه است در عین آنکه سخت و مثل نان شب بدان نیازمند است. حفظ اتحاد در چنین شرایطی ولو با وجود اختلافات حاد، نفع بیشتری میرساند به جنبش انقلابی تا انشعاب! بویژه آنکه اگر قرار باشد شقه شدن و انشعاب در یک سازمان به انفعال و سرانجام اضمحلال بخشی از این جریان بعنوان یک نیروی سیاسی متشکل بیانجامد _ آنطور که فرضا در مورد رفقای منشعب از راه کارگر (اتحاد کارگران) انجامید _ چنین انشعابی، نفعی به جنبش انقلابی نمی رساند که هیچ در جهت تضعیف آن هم هست.

نکته دوم : رد قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی موجب خوشحالی، ازمایشی امیدوار کننده است که سیاستهای سافخا اکنون و بعد از پایان کنگره ، نه بر پایه حال و هوای همان قطعنامه رد شده یعنی تقلید از شعار "طرد ولایت فقیه" و تاکتیک حزب توده و خلاصه نفی عملی امر سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه حرفا" و عملا برپایه در دستور قرار دادن موضوع انقلاب و سرنگونی تمامیت رژیم استوار باشد و تمامی تاکتیک های دیگر در خدمت این تاکتیک اساسی و محوری قرار بگیرد . اینطور نباشد که کنگره فرضا بنا به توازن نیروهای حاضر در آن و یا احیانا بنا به مصلحت (!؟) چیزی را تصویب کرده باشد، اما بعدو در عمل چیز دیگری پیش برده شود. آنطور که بعنوان مثال تا حدودی در سازمان راه کارگر هم شاهد این تلاش و قضیه بوده ایم. سازمان راه کارگر نیز که انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرده بود ، بلافاصله بعد از انتخاب خاتمی به موضع راست در غلطید تا آنجا که در این مسیر، یکی از رفقای رهبری این سازمان (شالگونی) تا آنجا پیش رفت که علنا موضوع حمایت از خاتمی را هم مطرح کرد. با وجود آنکه کنگره راه کارگر البته با یک اکثریت ضعیف و شکننده، از تاکتیک تحریم دفاع و مشی راست روانه را رد کرد و خلاصه گرایش راست را موقتاً عقب راند ، مع هذا همانطور که تا حدودی شاهد بوده ایم این گرایش بعنوان مثال در نشریه این

رکود واحدهای صنعتی و تداوم بیکارسازیها

استان کرمانشاه : مدیر کل کار و امور اجتماعی استان کرمانشاه گفت از مجموع ۱۷۰ واحد صنعتی موجود در این استان، ۱۱۰ واحد دچار رکود شده و باقی کارخانه ها و کارگاهها نیز به حالت نیمه فعال درآمده اند. وی جویندگان کار این استان را ۸۸ هزار نفر و نرخ بیکاری را رقمی بیش از ۶/۱۷ درصد اعلام نمود.

استان فارس : براساس آمار اداره کل کار و امور اجتماعی استان فارس، هم اکنون بیش از ۱۰۵ هزار نفر در این استان متقاضی کار هستند. اداره کل فنی و حرفه ای این استان گزارش داد که در حال حاضر فعالیت نزدیک به ۲۱۶ واحد تولیدی صنعتی در این استان به حالت رکود درآمده است.

قابل ذکر است که ظرف شش ماهه اول سال جاری بیش از ۱۳ هزار و ۳۰۰ تن از جویندگان کار در استان فارس، در ادارات کار این استان نام نویسی کرده اند که از مجموع این افراد ۸۷۰۰ نفر مرد و افزون بر ۴۵۰۰ نفر زن هستند و ظرف این مدت زمینه اشتغال ۵۱۶ نفر فراهم شده است و در ضمن بیش از ۴ هزار پرونده مربوط به اخراج کارگران مورد بررسی قرار گرفته است!

استان اصفهان : مدیر کل صنایع استان اصفهان میگوید ۷۰۰ طرح صنعتی و تولیدی در این استان نیمه تمام مانده و ۱۴۰۰ میلیارد ریال سرماه در مناطق صنعتی بلااستفاده مانده است. نامبرده اضافه کرد که سالانه ۱۰۰ هزار نفر به آمار جویندگان کار در این استان اضافه میشوند.

روزنامه رسالت یازدهم مهر از قول یک عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در مورد بیکارسازی کارگران نوشت که در دو ماه گذشته واحدهای بزرگی مانند پلی اکریل اصفهان، سیمان سپاهان، بافت ناز مشکلات متعددی داشته اند و برای نمونه تعداد نیرو های مشغول بکار کارخانه بافت ناز از حدود ۵۰۰۰ نفر به ۱۵۰۰ نفر رسیده است. کارگران شرکت نخ کار بدلیل تعطیلی واحد خود، حدود ۹ ماه است که حتی یک ریال از حقوق خود را دریافت ننموده اند.

استان گیلان : مدیر شهرک صنعتی رشت در نشست صاحبان صنایع گیلان گفت اخیرا ۲۷ واحد صنعتی دیگر در این شهر تعطیل شده است. نامبرده گفت از مجموع ۱۹۸ واحد صنعتی مستقر در شهر رشت، تنها ۱۰۸ واحد آن در حال فعالیت اند.

در حال حاضر اوضاع در بسیاری از واحدهای تولیدی استان گیلان ناپسندانگیز است و کارگران این واحدها با مشکلات زیادی روبرو هستند. برخی در آستانه تعطیلی اند و کارگران آنها با تکلیف و در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند. از آن جمله اند، ریسندگی خاور، چینی پارس، شرکت کفش گنجه در رودبار. از سوی دیگر بسیاری مراکز تولیدی این استان حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند. کارگران پارسان، نازپوش انزلی، الکتریک رشت، شیر پاستوریزه گیلان، ایران جیکان، جی شمال، تن سان و ... از ۲ تا ۱۱ ماه است که دستمزدهای خویش را دریافت نکرده اند. در عین حال بنا به گفته یکی از افراد وابسته به خانه کارگر، بیش از سه چهارم کارگران قراردادی استان، در سال جاری اخراج شده اند و تعداد زیادی از کارگران شرکت های مختلف مانند، کفش بیا، ایران کف، فرش گیلان نیز از کار بیکار شده اند.

اخباری از ایران

کردند. کارگران در این یادداشت به این مسئله نیز اشاره کرده اند که بمحض آنکه کارگران در صدد پیگیری مشکلات موجود برمی آیند، به آنان اعلام می شود که کارخانه در حال واگذاری به بخش خصوصی است! در خاتمه این یادداشت، کارگران خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

اعتراض کارگران وزنه

کارگران شرکت وزنه، در یادداشت اعتراض آمیزی اعلام کردند که مدت ۳ ماه است دستمزدهای خویش را با تاخیر زیاد دریافت میکنند. در این یادداشت، کارگران به این مسئله نیز اشاره کرده اند که نزدیک به یک سال است از دریافت لباس کار، کفش ایمنی و دیگر وسائل پیشگیری از حوادث ناشی از کار، محروم شده اند.

* همچنین کارکنان سازمان فرهنگی هنری تهران، در یک یادداشت اعتراضی، نسبت به عدم پرداخت حقوق ها اعتراض کردند. آنان در یادداشت خود از جمله نوشتند که نزدیک به شش ماه است حقوق دریافت نکرده اند و از این بابت با مشکلات و دشواریهای زیادی روبرو می باشند و در پایان از مسئولین ذیربط تقاضای رسیدگی نمودند.

۸ هزار کارگر در معرض بیکاری

مدیر کل کار و امور اجتماعی فارس در اواخر مهرماه اعلام کرد که در ۶ ماه دوم سال جاری مشکلات واحدهای تولیدی این استان بیشتر خواهد شد. وی اضافه کرد که ۷۰ واحد تولیدی در این استان در معرض خطر ورشکستگی هستند. نامبرده همچنین عنوان کرد چنانچه مشکلات مربوط به بخش صنعت این استان برطرف نگردد، نزدیک به ۸ هزار نفر نیروی کار واحدهای صنعتی فارس، بیکار می شوند.

اخراج دائمی و قراردادهای موقت

مدیر شرکت کرمانیت، تولید کننده لوله ورق آریست، کارگران این شرکت را بطور دسته جمعی اخراج نمود تا سپس با انعقاد قرار دادهای موقت کار با این کارگران، هرکاری را که خواست به میل خود موقتاً بکار بازگرداند. بدنبال این اقدام ضد کارگری، ۱۰۲ نفر از کارگران این شرکت، ضمن مراجعه به اداره کل کارکرمان، نسبت به این مسئله اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به وضعیت استخدامی خود شدند.

کارگران نفت گچساران و پیمان های دسته جمعی

کارگران صنعت نفت منطقه گچساران، با ارسال یادداشت اعتراض آمیزی به مطبوعات، خواستار رسیدگی به مشکلات و مطالبات خود شدند. آنان در این نامه اعتراضی، مطالبات خویش را چنین منعکس کرده اند. "ما کارگران صنعت نفت منطقه گچساران هنوز چشم انتظار:

- ۱_ مذاکرات و پیمانهای دسته جمعی کار
- ۲_ آئین نامه نحوه قرار دادهای مربوط به چگونگی تعیین و پرداخت پاداش افزایش تولید
- ۳_ قانون اجرائی طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاهها
- ۴_ ضوابط تهیه اجرائی طرحهای طبقه بندی مشاغل در کارگاهها که در زمان انقلاب و جنگ قطع شد، هستیم."

اعتراض نفتگران پروژه ای

۱۴۰۰ تن از کارگران پروژه ای پالایشگاه آبادان، در معرض اخراج قطعی قرار گرفته و بخش "حکم اخراجشان نیز صادر شده است. مسئولین پالایشگاه نفت آبادان، چندین ماه است که در نظر دارند با واگذاری کار کارگران پروژه ای به یک شرکت پیمان کاری، کارگران پروژه ای پالایشگاه نفت آبادان را اخراج کنند. این اقدام ضد کارگری که زیر نظر یک هیئت اعزامی از تهران و با هماهنگی مدیر پالایشگاه آبادان در شرف انجام است، اعتراض شدید کارگران پروژه ای را برانگیخته است. کارگران در اشکال مختلفی از جمله برپائی تجمعات، مخالفت خویش را با این تصمیم اعلام کرده و خواهان لغو آن شده اند. این کارگران، در ادامه اعتراضات خویش، نامه اعتراض آمیزی نیز به نمایندگی از ۱۲۰۰ کارگر پروژه ای در معرض اخراج، به مسئولین حکومتی نوشته و برای مطبوعات رژیم نیز ارسال نموده اند. در این نامه کارگران ضمن اشاره به ۸ سال سابقه تجربه کاری خود، خواستار تجدید نظر در حکم اخراج خود شده اند. در ادامه این اعتراضات صبح روز شنبه بیست و پنجم مهرماه نیز ۷۰۰ تن از این کارگران اخراجی با برپائی یک تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان فرمانداری، خواستار لغو احکام اخراجی و رسیدگی به وضعیت استخدامی خود شدند. بنا به خبری که در روزنامه کار و کارگر چاپ شده است، این کارگران پس از گفتگو با فرماندار، تا تعیین تکلیف نهائی به سرکار خود بازگشتند.

تحصن کارگران چیت سازی ساری

کارگران چیت سازی ساری در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق خود، بیست و هشتم مهرماه، دست به تحصن زدند. به دنبال این حرکت اعتراض آمیز کارگران، استاندار و مدیر کل صنایع کار و امور اجتماعی مازندران، در جمع کارگران حاضر شدند. کارگران معترض که بیش از ۷ ماه است حقوق ماهانه خود را دریافت نکرده اند، ضمن بازگ کردن پاره ای از مشکلات خویش، خواهان پرداخت حقوق های معوقه شدند. اما مسئولین مربوطه با عنوان کردن اینکه کارخانه بدهکار است و هیچ بانکی هم حاضر به پرداخت وام به این کارخانه نیست، صریحاً عنوان کردند که مشکل ۷ ماه حقوق پرداخت نشده قابل حل نیست. معهداً از کارگران خواسته شد تا نمایندگانی را برای رسیدگی به این مسئله معرفی نمایند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

کارگران شهرداری ایلام، با برپائی تجمع اعتراض آمیزی در محل مجتمع فرهنگی و هنری استان، به ابراز نارضایتی پرداخته با صدور و قرائت بیانیه ای نسبت به عدم پرداخت حقوق ماهانه خود اعتراض کردند. کارگران در بیانیه خود همچنین نسبت به پاره ای محرومیت های شغلی از قبیل "برخوردار نبودن از حق اضافه کاری، حق ماموریت و لباس و عدم پرداخت ما به التفاوت افزایش حقوق خود موضوع طرح طبقه بندی مشاغل در سالهای ۷۴ و ۷۳" نیز اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

مبارزه کارگران تولیدی خزر برای دریافت حقوق معوقه

بیش از ۴۰۰ تن پرسنل شرکت تولیدی خزر تنکابن، در یادداشت اعتراض آمیزی از اینکه کارفرما بیش از ۴ ماه است حقوق آنها را پرداخت نکرده، اعتراض

←

استان مازندران: مدیر عامل شرکت نساجی تار، ضمن آنکه رکود حاکم بر صنایع نساجی مازندران را بسیاری جدی خواند گفت در قائم شهر که قطب نساجی مازندران است ۱۰ هزار کارگر درکارخانه ها مشغول بکار بودند اما این رقم به کمتر از ۵ هزار تقلیل یافته است (کاروکارگر ۱۹ مهر). اوضاع در بسیاری دیگر از کارخانه ها از جمله کارخانه چوب و کاغذ مازندران نیز نا مطمئن است.

سایر استانها

اوضاع به لحاظ تداوم رکود و بیکار سازی کارگران در سایر استان ها و شهرهای کشور نیز بر همین منوال است.

۲۵۰۰ تن از کارگران کارخانه نساجی جهان چیت کرج در معرض اخراج هستند. بخش بافندگی شرکت نساجی ریسمان پارس مستقر در سمنان با حدود ۳۰۰ نفر کارگر تعطیل شده و کارگران و خانواده های آنان برای تامین نان شب نیز با مشکلات جدی روبرو شده اند. بنا به گفته یکی از افراد وابسته به خانه کارگر ورامین، در طول یک ساله ۷۵، فقط در ورامین ۱۸۰۰ نفر از کارگران اخراج شده اند که پس از پیگیری های متعدد تنها ۱۷۸ نفر بکار خود باز گشته اند. در شهرستان ری بنا به گفته مسئول اداره کار و خدمات این شهرستان، بیش از ۲ هزار و ۴۲۲ نفر جویای کار در این مرکز نام نویسی کرده اند که تنها برای ۲۶۷ نفر کاریابی شده است. مدیر کل کارستان سیستان و بلوچستان گفت در حال حاضر ۳۵ هزار بیکار ثبت نام کرده اند حال آنکه آمارهای غیر رسمی بیشتر از این نشان میدهد.

فرسودگی صنایع

مدیر عامل شرکت ریسندگی و بافندگی چیتری گفت، در طول ۳۰ سال گذشته هیچ سرمایه گذاری جدیدی برای بازسازی و نوسازی شرکت صورت نگرفته است. لازم به ذکر است که این شرکت زیر پوشش بنیاد مستضعفان قرار دارد. در همین رابطه وزیر صنایع رژیم هم گفت: دستگاهها و ماشین هایی که عموماً عمر مفید آنها ۱۰ سال است چندین برابر کار کرده اند. وی عمر برخی از کارخانه های نساجی را ۷۰ تا ۶۰ سال ذکر نمود و اضافه کرد از مجموع کارخانه های نساجی بیش از ۶۰ واحد بکلی فرسوده اند.

واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی

محمد علی نجفی رئیس سازمان برنامه و بودجه در اواسط مهرماه اعلام کرد ظرف یک ماه آینده از محل واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی، ۶۵۰ میلیارد ریال درآمد عاید دولت می شود. نامبرده مجموع شرکت های دولتی را دو هزار و شرکت های وابسته را حدود ۴۰۰۰ قید کرد. وی همچنین تصریح کرد که کمپسیونی که از اول سال جاری به منظور واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی تشکیل شده است، زیر نظر مستقیم رئیس جمهوری باشد. نامبرده در جلسه علنی روز سه شنبه ۲۱ مهر مجلس اعلام کرد بین میزان حداقل هزینه های دولت با حداکثر درآمدها در قانون بودجه امسال، بالغ بر ۱۸ هزار و ۹۳۶ میلیارد ریال فاصله (تفاوت) وجود دارد.

قرضه بانکی

کمپسیون برنامه و بودجه رژیم، برای تامین بخشی از کسری بودجه دولت، به استقراض از بانک مرکزی

روی آورد. بعد از بحث های زیادی که در مجلس ارتجاع پیرامون این مسئله انجام گرفت، سرانجام با رقم ۶۰۰ میلیارد تومان استقراض از بانک مرکزی، موافقت بعمل آمد.

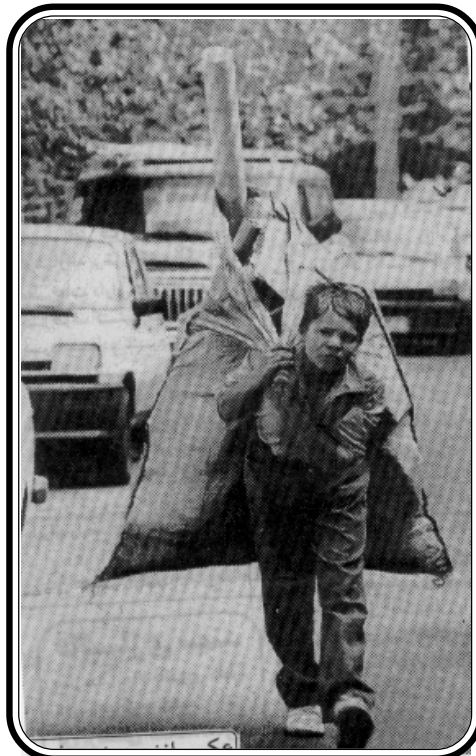
انتشار اوراق قرضه خارجی

حبیب الله بیطرف وزیر نیرو گفت این وزارتخانه برای تامین ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار، از نیمه دوم مهرماه اقدام به فروش اوراق مشارکت (یعنی همان اوراق قرضه) به مردم خواهد کرد. لازم به ذکر است که این اوراق قرضه بیش از یکماه است که انتشار یافته است مهذا این وزارتخانه مثل سایر موسسات دولتی همچنان با مشکل تامین اعتبار روبروست. وزیر نیرو همچنین عنوان کرد که وزارت نیرو امسال با ۳۰۰ میلیون دلار استقراض خارجی، بخشی از اعتبارات ارزی خود را تامین خواهد کرد.

کودکان شاغل

و کودکان در جستجوی کار!

بر طبق آمار گیری سال ۷۵، کودکان ۱۴ تا ۱۰ ساله شاغل کشور ۲۶۴۵۵۷ نفر و بیکاران در جستجوی کار ۱۰۳۴۷۴ نفر اعلام شده است. براساس نتایج سر شماری عمومی در همین سال، از جمعیت ۹۰۸۰۶۷۶ نفری کودکان ۱۴ تا ۱۰ ساله حدود ۴ درصد آن یعنی ۳۶۸۰۳۱ نفر شاغل اند که ۶۵٪ آنها پسر و ۳۵٪ دختر هستند. گفتنی است که در این آمار، کودکانی که در روستاها، درمزارع کار میکنند و یا در منازل به کار قالیبافی مشغول بوده اند، منظور نشده است.



راه پیمائی

روز ۱۴ مهر از طرف دفتر تحکیم وحدت، جمعی در ضلع شرقی دانشگاه تهران (خیابان قدس) برگزار شد. در این تجمع که با صدور مجوز برپا شده بود، بعد از پایان سخنرانی های خامنه ای، دانشجویان بسمت خیابان انقلاب و سپس میدان انقلاب به راهپیمائی پرداختند. مسئولین دفتر تحکیم وحدت علیرغم آنکه به شرکت کنندگان در این تجمع گوشزد میکردند که مجوز راهپیمائی صادر نشده است، اما جمعیت در حال شعار

دادن به طرف میدان انقلاب حرکت کرد. مرگ بر انحصار، نظارت جناحی ملت نمی پذیرد، یزدی استعفا استعفا، حمایت جناحی در سیستم قضائی افشا باید گردد، مجلس فرمایشی ملغا باید گردد، طالبان حیا کن مملکت را رها کن! از جمله شعارهای راه پیمایان بود. گفتنی است که در جریان این راه پیمائی، اطلاعیه هایی نیز در حمایت از منتظری پخش شد، و سرانجام نیروهای انتظامی جمعیت را متفرق و سه تن را که در جلو صف شعار میدادند، دستگیر نمودند.

تجمع اعتراضی دختران دانشجو

۲۰۰ تن از دختران دانشجوی دانشگاه لرستان، روز ششم مهرماه با تعطیل کردن کلاس های درس و تجمع در مقابل ساختمان اداری این دانشگاه، نسبت به عدم واگذاری اماکن خواب به دانشجویان، اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات مربوط به خوابگاههای دانشجویی شدند. لازم به ذکر است که بسیاری از دانشجویان این دانشگاه فاقد خوابگاه اند و از این زاویه با مشکلات زیادی روبرو می باشند. همچنین بسیاری از دانشجویان مرکز آموزش عالی فنی دختران، با همین مشکل نداشتن خوابگاه روبرو هستند، ضمن آنکه هر ساله مبالغ زیادی بعنوان شهریه بایستی بپردازند. یکی از دانشجویان در این مورد میگوید "خوابگاهها دارند تخلیه میکنند و تمام وسائل بچه ها را دارند بیرون میریزند. دانشگاه ما یک دانشگاه دولتی است در حالیکه اینها میخواهند ترمی ۲۵ هزار تومان از دانشجویان شهریه بگیرند." — کمبود خوابگاههای دانشجویی تقریباً مشمول کلیه دانشگاهها میشود. در برخی از دانشگاهها مثل دانشگاه تهران، مسئله کمبود ظرفیت خوابگاهها را می خواهند با افزودن بر تعداد نورات خوابگاهها جبران کنند. یک دانشجو در این باره می گوید "برخی ساختمانهای مجتمع کوی دانشگاه تهران که تا سال گذشته دو، سه نفره بودند، الان یک نفر به ظرفیت شان اضافه شده است".

در مجلس ارتجاع

مجلس ارتجاع در جلسه علنی ۱۲ مهرماه، سرانجام طرح ارتجاعی "انطباق امور اداری و فنی موسسه های پزشکی با موازین شرع مقدس" را به تصویب رساند و بار دیگر نشان داد که دست کمی از برادران طالبان خویش ندارد. در همین اجلاس طرح تشکیل بسیج دانشجویی نیز تصویب شد و فعالیت این ارگان ضد دانشجویی و جاسوسی که از قبل هم وجود داشت، بصورت رسمی و قانونی در آمد. سران رژیم که از تنفر و مخالفت عمومی دانشجویان با اقدامات مداخله جویانه و سرکوبگرانه رژیم از طریق بسیج دانشجویی آگاه اند، از دانشجویان خواستند به این نیروها به عنوان عامل فشار و نیروی انتظامی نگاه نکنند. رفسنجانی در این مورد گفت: ممکن است برخی افراد به دانشجویان بسیجی بعنوان عوامل فشار و نظامی نگاه کنند که این یک امر نا جوانمردانه است و دانشگاهیان نباید به بسیجیان به عنوان یک نیروی نظامی صرف نگاه کنند. (رسالت ۱۶ مهر)

— لازم به ذکر است که مجلس ارتجاع در جلسه علنی ۱۵ مهر، طرح الحاق یک تبصره به قانون "ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه و موسسات آموزش عالی" را نیز به تصویب رساند. بموجب این تبصره، کسانی که حداقل ۶ ماه پیوسته یا ۹ ماه ناپیوسته علاوه بر میزان موظفی شرکت در عملیات، به صورت داوطلبانه در خطوط مقدم جبهه حضور داشته اند، از مزایای این قانون استفاده میکنند.

حاضر در سالن به شعار دادن پرداختند و مانع از قرائت متن سخنرانی وی شدند. این آکسیون موفق، وسیعاً در رسانه های گروهی انعکاس یافت.

اعتراض به حضور و سخنرانی ابراهیم یزدی در سوئد

در پی انتشار خبری پیرامون ورود ابراهیم یزدی رئیس "نهضت آزادی ایران" به سوئد، آنهم بمنظور ایراد سخنرانی درباره "حقوق بشر"! جمع زیادی از نیروهای انقلابی و مخالف رژیم، ضمن صدور اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۱ اکتبر ۹۸، نسبت به حضور وی در سوئد اعتراض و این مسئله را محکوم کردند. در این اطلاعیه ضمن اشاره به پاره ای از اقدامات ارتجاعی و سرکوبگرانه یزدی، چه زمانی که بازرگان مقام نخست وزیری دولت موقت حکومت اسلامی را برعهده داشت و چه بعد از آن، به حمایت‌های یزدی از رژیم‌هایی که دهها هزار تن را به جرم دگر اندیشی اعدام و ترور کرده است و اکنون هم مدافع دولت خاتمی یعنی دولتی است که حداقل "مسئولیت سرکوب اعتراض ۳۰۰۰ زندانیان سیاسی در زندانهای شیراز، اصفهان، تبریز، ملائانی و کارون اهواز و اعدام های یک سال ونیم گذشته" را برعهده دارد، نیز اشاره شده است. در این اطلاعیه همچنین گفته شده است "او توجه گریسیاست‌های دولتی است که بنیاد فکریش بر نقض حقوق بشر است و با سکوت در مقابل اعدام و شکنجه صدها هزار مخالف و سرکوب آزادی بیان و اجتماعات توسط جمهوری اسلامی، بر تمامی این جنایات در ۲۰ سال گذشته صحنه گذاشته" و اساساً نمی تواند از حقوق بشر آنهم در کشوری که مدعی دموکراسی است صحبت کند. قابل ذکر اینکه سرانجام این جلسه سخنرانی برگزار گردید و آقای یزدی هنگامی که به سئوالات برخی از حاضرین جواب میداد، باردیگر به توجیه سیاست‌های نهضت آزادی در تائید و صحنه نهادن بر اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی پرداخت که این موضوع عکس العمل اعتراض آمیز بسیاری از حاضرین را در پی داشت که در ادامه آن بیش از دو سوم جمعیت با سردادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی محل را ترک میکنند و جلسه سخنرانی نیز عملاً بهم میخورد. مخالفین حضور یزدی و سخنرانی وی در مورد به اصطلاح حقوق بشر، در بیرون از سالن نیز با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و افشای سیاست‌های امثال آقای یزدی، اعتراض خود را نسبت به حضور و سخنرانی این فرد ادامه داده و آنرا محکوم کردند.

خلاف جریان منتشر شد

خلاف جریان شماره ۱۴ به زبان انگلیسی

و خلاف جریان شماره ۲۰ به زبان فرانسه

در ماه اکتبر منتشر شدند.

علیه شرایط پیشنهادی به حرکت خود ادامه دهند.

مبارزه علیه بیکارسازی در اسکاتلند

اتحادیه های کارگری و شورای شهرهای سکلرک و گالاشینر واقع در جنوب اسکاتلند، مشترکاً در مقابل باز خرید ۲۰۰ کارگر شرکت الکترونیک آمریکائی "ویاسیستمز" دست به اعتراض زدند. اعتصابیون هنگام اجتماع در مقابل کنسولگری ایالات متحده در شهر ادینبرا پایتخت اسکاتلند عینک‌های دودی برچشم داشتند. این اقدام کنایه‌ای بود به شعاری که شرکت در بدو تاسیس سر داده بود: "آینده شما چنان روشن و تابناک است که شما به عینک دودی احتیاج خواهید داشت."

اسپانیا: سوانح ناشی از کار و اعتراض کارگران

روز ۷ اکتبر، ۴۰ نفر از معدنچیان ۳ معدن مختلف در اسپانیا، در اثر سوانح ناشی از کار جان خود را از دست دادند. در اعتراض به کشته شدن این کارگران و وضعیت وخیم ایمنی معادن، حدود ۱۱ هزار معدنچی روزهای ۱۳ و ۱۴ اکتبر دست از کار کشیده و به راهپیمائی و تظاهرات پرداختند. یکروز پس از آن نیز ۵ هزار تن از معدنچیان شمال اسپانیا نیز در اعتراض به سطح نازل استاندارد های ایمنی معادن، دست به یک اعتصاب یکروزه زده و خواهان بهبود فوری ایمنی محیط کار خود شدند.

به گزارش اتحادیه های کارگری در این کشور، تنها طی ۴ ماه اول سال جاری، ۲۹۰ هزار نفر از کارگران اسپانیا در اثر سوانح ناشی از کار مجروح شده که از این تعداد ۴۲۲ تن جان خود را از دست داده اند.

جلسه سخنرانی فائزه رفسنجانی

در هلند به تعطیل کشانده شد

روز ۱۲ اکتبر سال جاری قرار بود فائزه رفسنجانی از نمایندگان مجلس ارتجاع به دعوت انستیتوی اسلام شناسی وابسته به یکی از دانشگاه‌های هلند، در مراسم افتتاحیه این انستیتو حضور بهم رساند و سخنرانی کند.

در اعتراض به این اقدام، نیروها و سازمان‌های اپوزیسیون از جمله فعالین سازمان در هلند، در این روز بابرپائی حرکات اعتراضی، حضور و سخنرانی وی را محکوم نمودند. طی این روز صدها تن ضمن برپائی تظاهرات در مقابل محل برگزاری سخنرانی، اقدام انستیتو مبنی بر دعوت از یکی از نمایندگان جمهوری اسلامی را محکوم نمودند. دهها تن از نیروهای انقلابی نیز همزمان در سالن محل برگزاری سخنرانی حضور بهم رساندند و با دادن شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "رفسنجانی، تروریست"، "ایران زندان زنان است"، مخالفت خود را با حضور دشمنان آشکار آزادی و آزاداندیشی به نمایش گذاردند. لازم به ذکر است که قبل از شروع برنامه، فائزه رفسنجانی از سوی مادری که چندین فرزندش توسط جمهوری اسلامی کشته شده بودند، سیلی خورد و مخفیانه سالن را ترک کرده بود. با اعلام عدم حضور وی جهت سخنرانی، نیروهای اپوزیسیون



اعتصاب میلیونی کارگران در روسیه

طی ماه های گذشته، روسیه شاهد اعتصابات عظیم کارگران بوده است. این اعتصابات در ابتدا محدود و پراکنده بود، اما به تدریج گسترش یافت. معدنچیان با خواست پرداخت دستمزدهای معوقه وارد میدان شدند. راه بندان و تصرف ساختمان پارلمان از جمله اشکال دیگری بود که معدنچیان برای رساتر نمودن اعتراضاتشان به کار گرفتند. با گسترش مبارزات معدنچیان، حمایت وهمبستگی با آنان وسیع و وسیعتر شد تا اینکه سرانجام در روز ۷ اکتبر سال جاری، میلیونها نفر از کارگران سراسر روسیه به دعوت اتحادیه های کارگری دست از کار کشیده و در چندین شهر دست به راه پیمائی و تظاهرات زدند. کارگران کارخانه های لنینگراد، اعتصاب خود را از روز ۶ اکتبر آغاز نمودند و روز بعد راهپیمائی وسیعی در این شهر برگزار کردند. در سایر شهرها، کارگران به مسدود کردن جاده ها، راه آهن و اشغال مراکز دولتی دست زدند و بدین طریق اعتراض خود را به وضعیت وخیم اقتصادی بنمایش گذاردند. تنها ۱۱ هزار نفر از ماموران پلیس ضد شورش روسیه جهت سرکوب کارگران به مسکو گسیل شده بودند. خواسته های اعتصابیون پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران، استعفا ی بوریس یلتسین، توقف سیاست‌های اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و برگزاری مجدد انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان روسیه است. اتحادیه های کارگری روسیه میزان دستمزدهای معوقه کارگران را ۶۰ میلیارد تخمین میزنند. قریب به یکسال است که دولت ورشکسته روسیه، از پرداخت دستمزدها سرباز میزند. عدم تحقق وعده های مداوم دولت سرانجام در اوایل اکتبر به اعتصاب عمومی فوق انجامید. گسترش مبارزات و حمایت وسیع اقشار مردم از این خواسته ها، رنگ خطرناک بودن آنها برای دولت روسیه بلکه برای سایر دول غربی، تزریق میلیونها دلار کمک بیدریغ این کشورها به روسیه نیز بحران موجود در این کشور را تخفیف نداده و وضعیت را بیش از پیش بحرانی نموده است.

اعتصاب ۲ هزار کارگر صنعتی در انگلستان

دو هزار کارگر صنعتی بارانداز دون پورت در شهر پلیموت در اعتراض به شرایط پیشنهادی شرکت در زمینه افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. شرکت مزبور وعده ۴ درصد افزایش دستمزد در طول پانزده ماه آینده را به کارگران داده است. با اعلام این پیشنهاد، کارگران در اعتراض به شرایط پیشنهادی دست از کار کشیدند. یکی از مقامات اتحادیه AEEU طی مصاحبه ای اعلام داشت که کارگران عضو این اتحادیه مصمم اند

اعتصاب عمومی کارگران دانمارک

آتی کارگران به کارمی بندند تا با ایجاد موانع بیشتر، حق اعتصاب را بیش از پیش به چهارمیخ قوانین بورژوازی بکشند. اکنون صحبت از طولانی تر شدن دوره های قراردادهای دسته جمعی از ۳ سال به ۴ یا ۶ سال است. از طرف دیگر محدود کردن مطالبات کارگران به حداکثر ۲ خواسته در هر دور مذاکراتی، جنبه دیگری از محدودیت هائی است که اعمال میشود.

اما فعالین رادیکال جنبش کارگری نیز از هم اکنون بابرپائی منظم مجامع عمومی در محل کار به بحث حول خواستههای خود میپردازند. هم اکنون صحبت از تقویت بیش از پیش "کمیته هماهنگی اتحادیه های کارگری" تشکیلی که بطور خودجوش و در طول اعتصاب اخیر در مقابله با سازشکاریهای رهبران شوروی سراسری اتحادیه های کارگری شکل گرفت، در میان است. کارگران خواهان تقویت این تشکل رادیکالند تا در مذاکرات آتی نقش بیشتری به این ارگان مبارزاتی داده شود.

واقعیت این است که شناورسازی ساعات کار کارگران در سالهای اخیر به بهانه تقویت قدرت رقابت سرمایه داران و افزایش اضافه کاریها، بعضاً تا ۷۰ ساعت در هفته، به جای استخدام نیروی کار جدید بدون پرداخت اضافه دستمزد و اجحافات دیگر، شرایط بسیار وخیمی را به کارگران تحمیل نموده است. از سوی دیگر شدت استثمار به تشدید مبارزات کارگران انجامیده است. از همینروست که خواست افزایش تعطیلات سالانه به یک خواست محوری تبدیل گردید و به بسیج بخش وسیعی از کارگران بخشهای مختلف انجامید.

مبارزات کارگران دانمارک جهت کاهش ساعات کار هفتگی از اوائل دهه ۸۰ میلادی آغاز شد. گسترش دامنه مبارزات کارگران برای تحقق این خواسته، کار را به جایی کشاند که یکی از کنگره های شوروی سراسری اتحادیه های کارگری دانمارک، برغم سازشکاری رهبران، در قطننامه ای خواهان ۳۵ ساعت کار در هفته شد. سرانجام در اواخر دهه ۸۰، کارگران موفق شدند ساعات کار هفتگی را از ۳۹ ساعت به ۳۷ ساعت در هفته کاهش دهند. ترفندی که سرمایه داران علیه کاهش ساعات کار بکار بردند، شناور سازی ساعات کار کارگران بود. لذا فعالین کارگری دانمارک نیز در طرح و تدوین خواست خود، خواست افزایش تعطیلات سالانه را عنوان نمودند.

گرچه اعتصاب فوق به افزایش تعطیلات سالانه کارگران نینجامید، اما با توجه به وادار شدن دولت در ارائه طرحی مبنی بر ایجاد تسهیلاتی برای مرخصی بیشتر کارگران، نشانه هائی از آغاز مبارزه برای دستیابی به این خواست به چشم میخورد. آماده باش کارگران برای مبارزات آتی، در شرایطی است که براساس برنامه های دولت و سرمایه داران تا سال ۲۰۰۵، ساعات کار شاغلین باید به طور متوسط ۸ درصد افزایش یابد. اکنون با آغاز سال جدید میلادی، نوبت کارگران و کارکنان شاغل در بخش دولتی است که برای تمدید قراردادهای دسته جمعی وارد میدان شوند و خواست افزایش مرخصی سالانه را طرح نمایند. اعتصاب ۱۴ روزه کارگران، تجربیات پرارزش دیگری برای کارگران داشت. نکته قابل توجه، حضور انبوهی از کارگران جوان بود که این اعتصاب نخستین تجربه مبارزاتی آنان بود. این بخش از کارگران از ابتدا خواهان اعتصاب و درروئی مستقیم با کارفرمایان بودند. نسل جدیدی از کارگران برای نخستین بار در اعتصاب عظیمی شرکت نموده و در عمل حس اتحاد و مبارزه مشترک را تجربه کرده و چهره دیگری از عملکرد اتحادیه های کارگری را مشاهده کردند. پس از این تجربه، بخش وسیعی از کارگران در مجامع عمومی خود، خواستار قطع کمک مالی به حزب سوسیال دمکرات شدند. اکنون با گذشت چند ماه از این حرکت عظیم طبقه کارگر، کارگران در جستجوی طرق جدید برای دامن زدن به مبارزه مستقیم علیه سرمایه داران هستند. نمایندگان سرمایه داران نیز در این میان بیکار ننشسته و تمامی تلاش خود را جهت جلوگیری از مبارزات

در پی رد طرح پیشنهادی مربوط به تجدید قرار دادهای دسته جمعی از سوی بیش از ۴۰۰ هزار نفر از کارگران شاغل در بخش دولتی، دور جدیدی از مذاکرات برای دستیابی به طرح جدید آغاز شد. اما سرانجام روز ۲۷ آوریل نشست مشترک نمایندگان اتحادیه کارفرمایان صنعتی دانمارک، شورای سراسری اتحادیه های کارگری LO و نماینده دولت این کشور به بن بست رسید. از نیمه شب همانروز، تمامی ۵۶۰ هزار نفر کارگر شاغل در بخش خصوصی دست به یک اعتصاب عمومی زدند. طی این اعتصاب ۱۱ روزه، کارگران برخاسته های برحق خود پافشاری کرده و به مبارزه همه جانبه ای دست زدند. نیمه شب ۷ ماه مه، دولت دانمارک به بهانه گسترش اعتصاب به مراکز حیاتی اقتصاد، بیطرفی ظاهری خود را زیر پا گذاشت و آشکارا در اختلافات بین سرمایه داران و کارگران مداخله نمود. با تبدیل طرح پیش نهایی اتحادیه کارفرمایان صنعتی دانمارک به یک لایحه قانونی، ادامه اعتصاب غیرقانونی اعلام و از کارگران خواسته شد که از روز بعد به سر کارهای خود بازگردند.

هرچند خواست محوری کارگران در این اعتصاب، یعنی فراغت بیشتر برای شاغلین و کار برای بیکاران از طریق افزایش تعطیلات سالانه از ۵ به ۶ هفته، تحقق پیدا نکرد، اما در واقعیت امر صرف پاسخ منفی کارگران به طرح سازشکارانه رهبران شوروی سراسری اتحادیه های کارگری و سازماندهی این اعتصاب عظیم پیروزی بزرگی برای کارگران بوده و آنها را برای مبارزات آتی آماده نمود. این مساله زمانی اهمیت خود را نشان میدهد که بدانیم کارگران دانمارک پس از سالها، برای نخستین بار مجدداً برخاسته های مستقل خود پافشاری نموده و با رای منفی به طرح پیشنهادی رهبران سازشکار شوروی سراسری اتحادیه های کارگری LO، راه مبارزه مستقیم علیه سرمایه داری را پیش گرفتند. بورژوازی پس از فروپاشی کشورهای بلوک شرق تلاش نمود که خاتمه تاریخ و مبارزه طبقاتی و جاودانگی مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری را تبلیغ کند. در این میان بخشی از فعالین چپ و کارگری نیز مرعوب این تبلیغات شده و با ترک صفوف مبارزه، کارگران را در این نبردها، جنبه تنها گذاشتند. اما اعتصاب اخیر کارگران بار دیگر صحت نظرات مارکس را اثبات نمود. بر خلاف تمام پايه سرائی های سرمایه داران، بار اصلی مبارزه در این اعتصاب بردوش به اصطلاح بخش سنتی طبقه کارگر یعنی کارگران کارخانه ها، حمل و نقل، ساختمان و ابنیه قرار داشت.

با آغاز این اعتصاب، اتحادیه کارفرمایان تقصیر را به گردن دولت و رهبران کارگران انداخت که با بالا بردن سطح توقعات کارگران موجب شدند که کارگران به طرح پیشنهادی رای منفی بدهند. مطبوعات و رادیو و تلویزیون گناه را به گردن نمایندگان کارگران گذاشتند که نتوانسته بودند کارگران را به کاهش سطح توقعات خود قانع کنند. اینها اما تنها جنبه هائی از واقعیت را در خود داشت. دلائل اصلی را باید در جای دیگری جستجو کرد.

کمکهای مالی رسیده

دانمارک

۹۸-۶-۳۰ ۵۰۰ کرون دانمارک

۹۸-۷-۳۱ ۵۰۰ کرون دانمارک

۹۸-۸-۳۱ ۵۰۰ کرون دانمارک

آرئوس ۵۰۰ کرون دانمارک

سوئیس

رفیق یحیی ۱۰۰ فرانک سوئیس

تارا ۱۰۰ فرانک سوئیس

پرورش ۱۰۰ فرانک سوئیس

آلمان

سیاوش - ن ۲۰۰ مارک

روزیه ۵۰ مارک

مهر ۵۰ مارک

ک-هومر ۳۰ مارک

هومر ۴۰ کرون سوئد

آلمان ۱۰۰ مارک

م، ا، (هانور) ۵۰ مارک

بلژیک

بدون کد ۳۰۰ فرانک بلژیک

یکسازای ها ، تشدید فشار برگردۀ

طبقه کارگر است ، باید با آن به مقابله برخاست !

به هر بهانه ای آنها را اخراج و یا تهدید به اخراج میکنند و خلاصه از این مسئله بعنوان حربه ای علیه اعتراضات کارگری و علیه مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد ها استفاده می کنند تا دستمزد کارگران را همچنان پائین نگاه دارند.

کارگران راه دیگری ندارند جز آنکه پشت همدیگر را بگیرند و اتحاد خویش را حفظ کنند. کارگران بیکار شده ، بخشی از طبقه کارگراند که قربانی مطامع و آزمندی های سرمایه داران شده اند. مبارزه کارگران بیکار ، وجهی از مبارزه کل کارگران است و می بایستی مورد حمایت عموم کارگران باشد. این کارگران کار میخوانند. کارواشتغال حق مسلم آنها و اساسا تمام بیکاران است. دولت موظف است برای همه بیکاران ایجاد اشتغال کند. اگر دولت قادر به ایجاد کار نیست، باید به همه بیکاران حق بیمه بیکاری به میزانی که تامین کننده حداقل معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری باشد، بپردازد. بیکاران بایستی شعاریا کار یا بیمه بیکاری را به پرچم مبارزاتی خود تبدیل کنند و در اشکال ابتکاری مبارزاتی خویش ، صمدی شان را بگوش سایر کارگران و عموم مردم زمختکش برسانند. اواسط اردیبهشت ماه بود که گروهی از بیکاران شهر دزفول با تجمع در محل اداره کار این شهر ، خواهان کار شدند از آنجا که پاسخ قانع کننده ای به آنان داده نشد، به برخی تاسیسات اداره مذکور حمله برده و شیشه های آنرا شکستند. در اندیشه شوش و کاشان نیز حرکات مشابهی صورت گرفت. در طبس نیز صد تن از کارگران بیکار شده معدن ذغال سنگ طبس ، در برابر فرمانداری شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت اشتغال خود شدند. این نمونه ها، نشان میدهد که کارگران بیکار نیز برای احقاق حقوق خود بطور بالنسبه متشکل، قدم در راه مبارزه علیه سرمایه داران گذاشته اند. از این نمونه ها در عین حال چنین برمی آید که این شکل مبارزه ، یعنی برپائی تجمعات اعتراضی در برابر ادارات دولتی به رایج ترین شکل مبارزه کارگران بیکار تبدیل شده است.

کارگران شاغل نیز با استفاده از اشکال متنوع مبارزاتی، بطرح خواسته ها و مطالبات خود پرداخته اند. اعتراضات کارگری در اشکال متفاوتی، از فرستادن نامه به مطبوعات و نوشتن طومار گرفته ، تا تحصن و اشغال کارخانه و تا اعتصاب و راه پیمائی و تظاهرات و حتی بستن جاده ها نیز انعکاس یافته است. یکی از اشکال رایج مبارزات اعتراضی کارگری، تجمع در برابر دفاتر مرکزی کارخانه ها و یا ادارات دولتی بوده است. مسئله قابل ذکر این است که هم کارگران شاغل و هم کارگران بیکار از این شکل مبارزه کارگری استفاده کرده اند. بعبارت دیگر این شیوه ، دست کم در لحظه فعلی به تاکتیک مبارزاتی مشترک کارگران شاغل و بیکار تبدیل شده است. نکته قابل توجه در مورد برپائی تجمعات اعتراضی کارگری در برابر دفاتر کارخانه ها و یا مراکز دولتی این است که این شکل مبارزه کارگران اگر چه تأثیرات بالنسبه خوبی، هم در انعکاس صدای کارگران و هم در جلب توجه و حمایت افکار عمومی داشته است، اما از محدوده معینی فراتر نرفته است. این حرکات زمانی میتواند صدای اعتراض کارگران را بهتر و در سطحی وسیع تر به گوش عموم برساند و تأثیرات عمیق تری در راستای تحقق مطالبات کارگری بر جای بگذارد ، که با اقدامات دیگری تکمیل شود.

اگرچه هنگامی که کارگران در برابر دفاتر کارخانه ها و ادارات دولتی که عموما در داخل شهرها قرار دارند، تجمعات اعتراضی برپا می کنند ، بخوبی خود توجه رهگذران را نیز جلب میکنند اما دامنه این تأثیر بسیار محدود است. چنین تجمعاتی زمانی متضمن تأثیرات بیشتری خواهد بود که با تظاهرات و راه پیمائی کارگران و عبور از خیابانها و مراکز پررفت و آمد شهر نیز توأم باشد. کارگران چه ابتدا به راه پیمائی دست بزنند و در انتها در برابر فلان دفتر یا اداره تجمع برپا کنند، چه در آغاز در برابر این محلها مجتمع شوند و بعد به راه پیمائی و تظاهرات بپردازند، در هر حال حرکت کارگران در این حالت بدون شک تأثیرات زیاد تری در انعکاس صدای خواست کارگران دارد و حمایت و همدردی عده زیادی تری را نیز بدنبال خواهد داشت و سرمایه داران و دولت آنها در مجموع برای پاسخ گوئی به خواست ها و معضلات کارگری تحت فشار بیشتری قرار میگیرند. حتی اگر کارگران در برابر در کارخانه نیز مجتمع می شوند و یا فرضا درون کارخانه تحصن و تجمع میکنند و آنرا به اشغال خود در می آورند، با وجود آنکه کارخانه بیرون از شهر است ، معذرا کارگران باز هم می توانند بنحوی عمل کنند که صدایشان از داخل چار دیواری کارخانه و یا جلو کارخانه فراتر برود . کارگران می توانند فرضا با انجام راه پیمائی و تظاهرات به طرف سایر مراکز تولیدی نزدیک به محل و ارسال پیک برای کارگران این مراکز ، توجه و حمایت سایر کارگران و هم زنجیران خود را جلب کنند و چه بسا که در تحریک احساس همبستگی و بمیدان کشاندن آنها نیز موثر واقع گردند. معذرا موضوعی که بسیار مهم است این است که کارگران در همه حال اعضا حتی المقدور هر چه بیشتری را از خانواده های خود نیز بسیج کنند و به خیابان بکشند. حضور اعضای خانواده های کارگری در جمع تظاهرات کنندگان و راه پیمائی، به انعکاس عمیق تر درد و رنجی که کارگران تحمل میکنند ، کمک نموده و تأثیرات مثبتی را نیز در جلب حمایت سایر اقشار مردم زمختکش در پی خواهد داشت. کارگران، بدون شک قادرند با تشدید مبارزه و با حفظ اتحاد و یکپارچگی خود ، در برابر تعرض سرمایه داران بایستند و آنها را عقب برانند.

آری ، کارگران راه دیگری جز مبارزه و جز تشدید مبارزه ندارند. کارگرانی که در توقف و غیر توقف کارخانه ها، استثمار و سرکوب میشوند، کارگرانی که خود و اعضا خانواده شان نخستین قربانیان بحران های سرمایه داری بوده اند ، کارگرانی که حکومت اسلامی و استعماری حاکم را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند، کارگرانی که ظرف ۲۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی به چشم خود دیده اند که این رژیم ارتجاعی برای آنان جز فقر و بدبختی ، جز جنگ و مصیبت و نکبت و گرانی، جز سرکوب و تشدید فشار و استثمار ، ثمر دیگری نداشته است و سطح زندگی آنها را حتی از سطح ۲۰ سال پیش هم پائین تر برده است تا آنجا که قدرت خرید کارگران نسبت به ۲۰ سال قبل به اعتراف دست اندرکاران حکومتی، ۱۹ برابر کاهش یافته است، اگر میخوانند به تمام این مصائب و بدبختی ها پایان داده شود، بایستی متحد و یکپارچه بپا خیزند ، پرچم مبارزه قاطع علیه رژیم ارتجاعی و ضد کارگری را برافرازند، حکومت سرمایه داران و مرتجعین را به زیر کشند و حکومت خود را مستقر سازند.

گزیده ای از نامه های رسیده

توضیح کوتاهی برستون گزیده ای از نامه های رسیده _ رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند ، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

_ تحریریه کار درگزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

_ نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت هایی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و آنرا بجای بپراشاند. درج این مطالب ، لزوما بمعنی تأیید مواضع نویسندگان نامو یا تشکلهای نمیشد. _ از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی

سوئد : یادداشتی از سوی کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)، در مورد برگزاری "سمینار بین المللی استکهلم" برایمان فاکس شده است که خلاصه خبر آن در شماره پیشین نشریه کار به چاپ رسیده است . در قطعه نامه مصوب این سمینار، از جمله به مسئله "سرکوب بیان و اندیشه و اجتماعات" و اعمال قوانین سنگسار و قصاص توسط جمهوری اسلامی و همچنین دستگیری و اعدام صدها هزار مخالف و معترض ، توسط این رژیم اشاره شده است . در این قطعه نامه دوستان ما همچنین خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی، لغو تبعیض جنسی و قوانین ضد بشری نظیر سنگسار و قصاص و نیز خواستار تشکیل یک دادگاه بین المللی و محاکمه سران جمهوری اسلامی شده اند. این رفقا دریادداشت دیگری با عنوان "تشدید سرکوب در ایران" ضمن اشاره به تلاشهای شش تراز نویسندگان برای "تصویب منشور کانون نویسندگان در داخل کشور" ، دستگیری و احضار آنها به زندان اوین را محکوم و خواستار آزادی آنها و سایر زندانیان سیاسی شده اند.

فرانسه : یکی از خوانندگان نشریه کار (م.ح. درخشش نیا) ، دو مقاله سیاسی در دو نوبت برای نشریه ارسال نموده اند. با تشکر فراوان بخاطر ارسال مقاله به نشریه کار بایستی باطلاع این خواننده عزیز برسانیم که مقالات دریافتی بدلائی از جمله سپری شدن وقایع و مسائل عنوان شده در آنها، قابل درج در نشریه کار نبودند. با اینهمه در تحریریه نشریه، طبق معمول از اینگونه مقالات استفاده میشود. پس باز هم برای ما مقاله و نامه بنویسید. پیروز باشید.

فرانسه : از پاریس یادداشتی با امضا "انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران" با عنوان "موج تعطیل روز نامه ها و نشریات در ایران !" برایمان فاکس شده است . در این یادداشت ضمن اشاره به تعطیلی برخی از نشریات از جمله روزنامه توس، از "لگدمال شدن حداقل آزادی ها" بعنوان

گزیده ای از نامه های رسیده

یک واقعیت یاد شده و "اقدامات ضد دموکراتیک و سرگوبگرانه" جمهوری اسلامی محکوم شده است. در این یادداشت همچنین آمده است "نباید اجازه داد تا تبلیغات سرسام آوری که از طرف برخی محافل اروپائی در جهت "روبه بهبود" رفتن فضائی سیاسی - اجتماعی در ایران برافراشته است، واقعیت تلخ یعنی فشار و حملات فزاینده به حداقل حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی در ایران را لاپوشانی کند". دوستان ما همچنین دریافته اند دیگری با عنوان "بازهم حکم اعدام به جرم یهائی گری" اعدام و زندان افراد به جرم داشتن عقاید مذهبی توسط رژیم را محکوم نموده و خواستار آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی شده اند.

سوئد: یاد داشتی چهار صفحه ای با عنوان "حمله به شعرا و نویسندگان و روشنفکران ایران روش ساواکی پاسداری (باتمانقلیچی)" و باامضای "جمعی از هواداران هنر و ادبیات مردمی" بدستمان رسیده است که در آن از نحوه برخورد و سخنان اهانته آمیز مسئول شورای ملی مقاومت در اسکندیناوی بنام پرویز خزائی، به شعرا و نویسندگان، که در نشریه مجاهد شماره ۴۰۴ به چاپ رسیده انتقاد شده است. در این یادداشت از فرد نامبرده بعنوان یک "دیپلمات همه فن حریف" یاد شده که "سابقا بعنوان یکی از دیپلماتهای برجسته اعلیحضرت پهلوی در استکهلم" و "زمانی بعنوان یک معتمد به امام راحل به سمت سفیر یا کاردار سفارت ایران در نروژ" انجام وظیفه میکرده است و بعد هم "به شورای ملی مقاومت پیوسته" است. امضای کنندگان، سخنان مسئول شورای ملی مقاومت در اسکندیناوی را "لجن پراکنی" بر نویسندگان و شعرا و بر "پیکر ادبیات و هنر" دانسته اند.

سوئد: رفیق عزیز، بهروز ب، عضو شوروی هماهنگی کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید - کمیته انتشارات، نامه شمارا در توضیح بر گزاری سمینار بین المللی درباره نقض حقوق بشر در ایران و تصمیم به انتشار مطالب مطروحه در این سمینار را دریافت کردیم. درباره درخواست شما مبنی بر ارسال اسامی اعدام شدگان سال ۶۷ برای تکمیل لیست اسامی کسانی که در سال ۶۷ بدست جمهوری اسلامی قتل عام شدند، به اطلاعات می رسانیم که سازمان ما در تدارک تهیه یک لیست کامل از اسامی شهید سازمان از جمله رفقای که در سال ۶۷ اعدام شدند، می باشد. متأسفانه این لیست هنوز کامل نشده است، به محض کامل شدن آن، اسامی این رفقا را به شماره هائی که داده اید برایتان فاکس خواهیم کرد. برایتان آرزوی پیروزی می کنیم و دستتان را به گرمی می فشاریم.

بلژیک: رفیق عزیز (ش.غ) - نامه گزارش گونه شمارا در مورد تشدید فشار بر اقلیت های مذهبی و سرکوب آزادیها در ایران، دریافت نمودیم. ما نیز مثل شما بر این باوریم که حکومت مذهبی، ناقض آزادیها و لگدمال کننده حقوق مردم و آزادیخواهان است. خواسته بودید، تاریخچه مختصری از شکل گیری سازمان را برایتان بفرستیم. در اسرع وقت به این خواست شما عمل خواهد شد. در ضمن مبلغ ۳۰۰ فرانک کمک مالی ارسالی را نیز دریافت کردیم. با تشکر فراوان بخاطر ارسال نامه و کمک مالی، باز هم برایمان نامه بنویسید، پیروز باشید.



تظاهرات مردم پیرانشهر

طبق خبری که از سوی حزب دمکرات کردستان ایران انتشار یافته است، روز گذشته، مردم پیرانشهر در اعتراض به قتل یک جوان اهل مهاباد به دست مزدوران حکومت اسلامی، در برابر پاسگاه نیروی انتظامی دست به تظاهرات زدند. نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، این اعتراض مردم را با گلوله پاسخ دادند که در نتیجه آن حدود ۱۰ تن زخمی شدند. پس از این اقدام سرکوبگرانه نیروهای مسلح رژیم، اهالی پیرانشهر برخی مراکز و خودروهای دولتی را مورد حمله قرار دادند و درهم شکستند. در جریان این درگیریها تعدادی نیز دستگیر شدند و عملاً نوعی حکومت نظامی در شهر برقرار گردید.

سرکوب اعتراض برحق مردم پیرانشهر توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که از ماهیت فوق ارتجاعی حکومت اسلامی و دشمنی آشکار آن با عموم توده های مردم از جمله خلق تحت ستم کرد ناشی می گردد، بار دیگر این حقیقت را در برابر همگان قرار میدهد که این رژیم هیچگونه اعتراض و مخالفتی را از جانب مردم تحمل نمی کند و زبانی، جز زبان زور نمی فهمد. لذا مادام که برسر کار است به کشتار و سرکوب مردم ادامه خواهد داد. راه نجات از شر این وحشیگری های رژیم جمهوری اسلامی، تشدید مبارزه و سرنگونی آن است. سازمان فدائیان (اقلیت) سرکوب مردم پیرانشهر را قویا محکوم میکند، و عموم مردم را به تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی فرا می خواند.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۷/۸/۷

بحران مالی دولت . . .

انداز و خامت بیشتر آن در سال آینده از هم اکنون روشن است و طرقتی که در این اصلحیه برای جبران کسری بودجه در نظر گرفته شده است، حاکی از این واقعیت است که رکود در صنایع و بحران اقتصادی نه تنها چشم اندازی برای بهبود ندارند، بلکه در ماههای آینده ابعاد وسیع تر و ژرف تری بخود خواهند گرفت. علت آنهم در این است که درآمد های ارزی ناشی از نفت، نقش مهمی در گردش سرمایه و وضعیت صنایع ایفا می کند. حرکت صنایع و کارخانه ها در ایران مستلزم وارد کردن کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مواد خام و پیش ساخته است. لذا همه ساله باید میلیاردها دلار به این امر اختصاص یابد. هم اکنون مجموع هزینه های ارزی دولت حدود ۲۰ میلیارد دلار است که بخشا صرف خرید کالاهای سرمایه ای و مصرفی میشود. این میلیاردها دلار ارز مورد نیاز صنایع از طریق فروش نفت تامین میشود. و قتیکه دولت میلیاردها دلار بدهکار است و نفت را از هم اکنون پیش فروش کرده است، روشن است که دیگر، ارزی که به این امر اختصاص خواهد یافت بسیار کمتر از گذشته و بسیار ناچیز است، لذا نوسازی صنایع، وارد کردن کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مواد خام با دشواری های بیشتری روبرو خواهد شد و تعداد دیگری از کارخانه ها و موسسات تعطیل خواهند شد. علاوه بر این فشاری که دولت برای جبران کسری بودجه خود به کارگران و زحمتکشان وارد می آورد، قدرت خرید هم اکنون ناچیز آنها را بازهم کاهش خواهد داد و رکود موجود را تشدید خواهد کرد. لذا چشم انداز بحران اقتصادی، وخامت بیشتر است.

دولت که این وخامت اوضاع را دریافته است، از مدتها پیش تلاش گسترده ای را برای جلب هرچه بیشتر سرمایه های انحصارات بین المللی آغاز نموده و تسهیلات گسترده و ویژه ای برای آنها قائل شده است تا از این طریق بتواند خود را از مخمصه بحران موجود نجات دهد. اما شکست این سیاست نیز در دوران زمامداری رفسنجانی نشان داده شد. سرمایه هائی که به ایران صادر گردید عمدتاً سرمایه استقراضی و کالائی بود و نه سرمایه مولد. آنهم عمدتاً به این دلیل که صاحبان سرمایه

های بین المللی مناطق امن تری برای سرمایه گذاری در بخشهای مولد دارند و تمایلی به سرمایه گذاری در ایران بجز رشته های خاصی نشان نمی دهند. از یکسو این احساس عدم امنیت سرمایه از آن روست که رژیم جمهوری اسلامی که با مخالفت و اعتراض همگانی مردم روبروست، یک رژیم بی ثبات و بی آینده محسوب میشود که هرآن امکان سرنگونی آن وجود دارد. از سوی دیگر ساختار حکومت مذهبی، تلاطمات درونی آن، و تضادی که میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی وجود دارد و مداوما در اشکال مختلف خود را بروز می دهد، امنیت لازم را برای سرمایه های مولد و پیش ریز کردن مقادیر کلانی سرمایه بوجود نمی آورد. از اینرو سرمایه بین المللی عمدتاً به شکل سرمایه استقراضی، به شکل وامهای کوتاه مدت و سرمایه کالائی صادر میشود که تضمین بازگشت این سرمایه و سودهای کلان آن نیز از طریق دلار های نفتی تضمین میشود. بنابراین از این جهت هم چشم اندازی برای بهبود اوضاع اقتصادی وجود ندارد.

این بحران که امروز به مرحله ای از شدت وحدت خود رسیده که رژیم را با معضلات جدی روبرو ساخته است، صرفاً محصول اوضاع کنونی و بحران مالی و ارزی دولت نیست. این بحران ذاتی نظام سرمایه داری است که از تضادهای لاینحل این نظام و گندیدگی و پوسیدگی مناسبات موجود ناشی شده است. این بحرانی است که در ۲۰ سال گذشته پیوسته وجود داشته است. تداوم لاینقطع این بحران و تشدید آن، از واقعیت دیگری نیز سرچشمه گرفته است که همانا تضاد میان ساختار اقتصادی جامعه با روبنای سیاسی و دولت مذهبی موجود است. این واقعیت نشان میدهد که با وجود جمهوری اسلامی و حفظ روبنای ایدئولوژیک - سیاسی موجود، حتی حل لحظه ای و موقتی بحران هم ممکن نیست. حالا دیگر این بحران به نقطه ای نزدیک شده است که مهار آن در چارچوب نظم موجود ممکن نیست. ابعاد غول آسای این بحران نشان از این واقعیت است که راه حلی خارج از چارچوب نظم موجود را می طلبد. لذا محتمل ترین حالت این است که در پی خود یک بحران همه جانبه سیاسی را پدید آورد که طومار ننگین حکومت اسلامی را در هم پیچد.

((بحرانهای عظیم ، راه حل های اساسی می طلبند))

آلومینیوم حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. امروزه ۵۰ درصد جمعیت آمریکا، اندک پس انداز های خود را به خرید سهام اختصاص می دهند. شوخی نمی کنم. اگر اخبار را دنبال کنید به این مسئله باور خواهید کرد. جدا از این، در نظر داشته باشید که امروزه تحت عنوان "نظم نوین جهانی"، منابع و ذخائر طبیعی نابود میشوند. چه کسی مسئول تامین زندگی ۱۰ میلیارد ساکنین جهان طی ۵۰ سال آینده خواهد بود؟ از من خواسته شده بود تا متن سخنرانی خود را قبل از ایراد کتبا ارائه دهم تا ترجمه شود. این کار را در ارتفاع ۱۰۰۰۰ متری سطح زمین انجام میدهم. از من نخواهید که راه حلی ارائه دهم. من پیغمبر نیستم. من تنها میدانم که بحرانهایی عظیم، راه حلهای اساسی می طلبند.

دلار افزایش داد. جهان دیر یازود باید بهای این را بپردازد. ثروتمندترین کشور آسیای جنوب شرقی، در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است. ژاپن _ دومین قدرت بزرگ جهانی _ دیگر توان تحمل بحران را ندارد. ارزش ین مدام کاهش مییابد. دردیگرسوی جهان، در روسیه، بحران گسترش مییابد. علیرغم کمکهایی بیدریغ مالی غرب، روسیه به ورشکستگی کشیده شده است. شاید در همین لحظات شاهد خطر سقوط دولتی باشیم که برغم داشتن هزاران سلاح اتمی از بازپرداخت حقوقها و دستمزد تکنسینها بازمانده است. طی ماههای گذشته، در آمریکای لاتین، ارزش سهام در بازار بورس ۴۰ درصد کاهش یافته است. در بسیاری از کشورها ارزش نیکل، مس، نفت و

اند و ۵۸۵۰ تن در کوبا دوره آموزشی گذرانده اند. از سوی دیگر ۸۰۵۲۴ کوبایی از جمله متخصصان، پزشکان، پرستاران، اساتید و کارگران ماهر به عنوان داوطلب برای انجام پروژه های مساعدت و همیاری به آفریقا اعزام شده اند. طی مدت ۳۰ سال ۲۸۱۴۳۲ سرباز کوبایی دوش به دوش توده های مردم آفریقا در مقابل تعرضات نیروهای مهاجم در قاره، ایستادگی نموده و در بازگشت با خود شرف و عزت و انسانیت به همراه آوردند. این دردآور است که ما امروز در آفریقا شاهد فقر، قحطی و گرسنگی و فقدان بیمارستان و مدرسه باشیم. وسائل ارتباطی در کل آفریقا بسیار محدود است. بسیار شرم آور است که شاهد باشیم که مثلا شهر توکیو بیش از کل قاره آفریقا، تلفن داشته باشد.

در آفریقا، صحراها گسترش می یابند. جنگلها نابود میشوند و زمینهای کشاورزی نابارآور. ساکنین قاره در معرض انواع بیماریهای کهنه و نو همچون مالاریا، سل، وبا و ایدز قرار دارند. در مقایسه با سایر نقاط جهان، مرگ و میر نوزادان بیداد میکند.

ویروس ناقل بیماری "ایدز" به طرز وحشتناکی گسترش مییابد. این غلو نیست اما آفریقا در معرض خطر نابودی قرار گرفته است. هر فرد حامل ویروس فوق، سالانه باید مبلغی معادل ۱۰ هزار دلار جهت مداوا اختصاص دهد. این درحالی است که بطور متوسط هر خانواده تنها قادر به اختصاص ۱۰ دلار در سال بابت هزینه های پزشکی است. در حال حاضر جهت مبارزه موثر با بیماری فوق سالانه باید مبلغی معادل ۲۵۰ میلیارد دلار اختصاص یابد. امری که صورت نمیگیرد و موجب مرگ و میر ۹۰ درصد این بیماران میگردد. جهان چگونه میتواند شاهد چنین فاجعه عظیمی باشد و بی تفاوت بماند؟ مدام از معجزات صندوق بین المللی پول و سازمان جهانی تجارت، نسخه های شفا بخش صادر میشود. اما چرا تحقیق برای یافتن ریشه های این بیماری خانمان برانداز صورت نمی گیرد؟

بحران غیر قابل پیشگیری

امروزه ما با یکی از بحرانهایی ژرف و غیر قابل پیشگیری مواجه هستیم که شاید از بی سابقه ترین انواع آن باشد. روزانه در جهانی که به یک قمارخانه بدل شده است، نیم تریلیون دلار که هیچ رابطه ای با اقتصاد و گردش آن ندارد، در بازار سهام جابجا میشود. بار جبران این ثروتهای بادآورده بردوش زحمتکشان است. بطور مثال جنگ ویتنام که ۵۰۰ میلیارد دلار هزینه برای دولت آمریکا در برداشت به افزایش مالیاتها انجامید و کسری بودجه این کشور را ظرف ۸ سال از ۷۰۰ میلیارد دلار به ۲/۵ تریلیون

اطلاعیه تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) درباره تعطیل جلسه سخنرانی فائزه رفسنجانی

اعتراض به حضور فائزه رفسنجانی در هلند

صبح امروز ۲۰ اکتبر ۱۹۹۸، فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در هلند، کمیته ای متشکل از فعالین چپ، و فعالین زن در مبارزه در هلند، به حضور فائزه رفسنجانی در هلند اعتراض نمودند و مانع سخنرانی وی در دانشگاه لیپدن شدند. فائزه رفسنجانی قرار بود در مراسم افتتاحیه انستیتوی اسلام شناسی دانشگاه لیپدن سخنرانی کند. به محض ورود او به سالن، تظاهرکنندگان با سردادن شعار و افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی، مانع از آن شدند که وی در جایگاه سخنران قرار گیرد. لذا فرد دیگری برای قرائت متن سخنرانی وی پشت تریبون فرستاده شد. اما او نیز اجازه سخنرانی نیافت و جلسه سخنرانی تعطیل شد. با دخالت پلیس، تظاهرکنندگان به بیرون سالن فرستاده شدند، اما اعتراضات ادامه یافت و تظاهرکنندگان تا ساعتی بعد در مقابل محل سخنرانی به تظاهرات ادامه دادند.

دعوت از فائزه رفسنجانی، این نماینده مجلس ارتجاع، مدافع پروپاقرص ولایت فقیه و سرکوب و کشتار مخالفین حکومت اسلامی و قوانین و مقررات ارتجاعی و زن ستیز حاکم بر ایران، در راستای سیاست جدید دولتهای اروپایی است که در جهت بردن سهم بیشتر از معاملات تجاری و قراردادهای اقتصادی با جمهوری اسلامی به رقابت برخاسته اند و از ملتها پیش به دنبال دستاویزی هستند تا مناسبات گسترده با جمهوری اسلامی را توجیه نمایند. در حالیکه دادگاه میکونوس با مدارک و شواهد محکم، دخالت مستقیم بالاترین مقامات حکومت اسلامی در سرکوب و ترور مخالفین حکومت را به اثبات رسانده است، در حالیکه روند سرکوب اعتراضات کارگران و زحمتکشان و دستگیری، شکنجه و اعدام مخالفین حکومت در ایران یکم قطع نشده است، در شرایطی که قوانین ارتجاعی اسلامی، زنان ایران را نیمه انسان تلقی می کنند و زنان از بسیاری از حقوق شهروندی بی بهره اند، دول اروپایی عوامفریبانه از تغییر اوضاع در ایران سخن میگویند تا گسترش مناسبات با حکومت اسلامی را توجیه نمایند. به اشکال مختلف تلاش می کنند حکومت اسلامی را از انزوا خارج سازند. آنها بر جنایات رژیم اسلامی چشم می بندند و با دعوت از نمایندگان و دست اندرکاران این رژیم کشتار و جنایت به سخنرانی، به آنها تریبون میدهند که عوامفریبانه در باره انسان و حقوق انسانها سخن بگویند. این بزرگترین توهین به مردم ایران است.

ابراز ملاطفت دولتهای اروپایی به رژیم جمهوری اسلامی و عوامل این حکومت جنایتکار، با اعمال فشار بر هزاران پناهنجوی ایرانی که قربانی سیاست ترور و وحشت و سرکوب و کشتار رژیم اسلامی اند، همراه است. فی المثل در هلند، در همان حال که فائزه رفسنجانی برای سخنرانی به دانشگاه لیپدن دعوت شده است تا جنایات رژیم را توجیه نماید و از انسان و حقوق انسانها سخن بگوید، صدها پناهنجوی ایرانی که به ناگزیر از جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند، در کمپ های پناهندگی مناطق مختلف هلند بلا تکلیف بسر می برند. بسیاری از پناجویان ایرانی سالهاست در انتظار پاسخ مثبت به پناهندگی شان هستند. دادگستری هلند به دلائل واهی از پذیرش پناهندگی آنها سرباز میزند.

مردم ایران که سالهاست ابتدائی ترین حقوقشان توسط حکومت اسلامی پایمال شده است، میلیونها ایرانی که در اثر سیاستهای ارتجاعی حکومت اسلامی، ناگزیر شده اند ایران را ترک گویند و در اقضا نقاط جهان آواره اند، سیاست حمایت دول اروپایی از حکومت سلامی را محکوم می کنند.

اعتراض به حضور فائزه رفسنجانی در دانشگاه لیپدن، اعتراض به پایمال شدن حقوق مردم ایران توسط حکومت اسلامی و سرپوش گذاشتن بر جنایات رژیم توسط دولتهای اروپایی از جمله دولت هلند است.

تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۰ اکتبر ۱۹۹۸

جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

((بحرانهای عظیم ، راه حل های اساسی می طلبند))

(سخنرانی فیدل کاسترو در آفریقای جنوبی)

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

شوم و سخنرانی غرائی بکنم تا محبوبیت میلیونها تن را که طی قرون یا با زنجیر در مزارع به کار گرفته شده اندیا در جریان تجارت برده درآبهای اقیانوس ها غرق شده اند، کسب کنم."

متن زیر ترجمه خلاصه ای از سخنرانی فیدل کاسترو در آفریقای جنوبی است که جهت اطلاع خوانندگان نشریه کار درج میگردد.

"امروزه ما هنوز با دو آفریقای جنوبی مواجه هستیم. دیگر نمیتوان صفت سفید و سیاه به آن دو اطلاق کرد. چرا که برای ریشه کن کردن فرهنگ تبعیض نژادی باید، استفاده از این صفتها را نیز کنار گذاشت. من ترجیح میدهم که به شکل دیگری، این دو آفریقای جنوبی را تصویر کنم. آفریقای جنوبی غنی و فقیر. در یکی میزان میانگین درآمد هر خانوار ۱۲ برابر دیگری است. در یکی، میزان مرگ و میر کودکان ۱۳ در هر هزار است و در دیگری ۵۷ در هر هزار. میانگین طول عمر در یکی ۷۳ و در دیگری ۵۶ است. در یکی تقریباً صد در صد جمعیت سوادخواندن و نوشتن دارد، در حالی که در دیگری تنها نیمی از جمعیت نرخ بیکاری در یک آفریقای جنوبی تقریباً صفر است و در دیگری به ۴۵ درصد میرسد. در یکی ۱۲ درصد جمعیت بالغ بر ۹۰ درصد اراضی را در تملک خود دارد. در دیگری ۸۰ درصد جمعیت تنها ۱۰ درصد را صاحباند. یکی تملک کامل بر امکانات و تسهیلات تکنیکی دارد و دیگری فاقد آن است. یکی از ثروت و آزادی بهره مند است، دیگری فاقد هردوست. این میراث سیاه و کهن یک شبه، ریشه کن نمیشود. البته باید از کلیه امکانات تکنیکی و پیشرفت بهره جست. یکی از دشوارترین وظائف جامعه بشری شاید همانا متحقق نمودن تحولات اجتماعی در یک پروسه آرام، منظم و صلح آمیز باشد که بتواند توده های زحمتکش آفریقای جنوبی را از رفاه بهره مند سازد. از دید میهمان گستاخی که شما به کشور خود دعوت نموده اید، این یکی از وظائف خطیری است که پیشروی آفریقای جنوبی قرار دارد. قصد ندارم در نقش رهبر محبوبی ظاهر

* تبعیض نژادی ، یک پدیده جهانی

"تبعیض نژادی یک پدیده جهانی است که قرنها تداوم یافت. در نیمکره ما، بردگان جز اولین گروههایی بودند که علیه سلطه استعمارگران بپا خاستند. در نخستین دهه های قرن هیجده، قیامهای عظیمی در "جامائیکا" و "باربادوس" و سایر کشورها شکل گرفت. سالهای بعد، مبارزات قهرمانانه و قیام بردگان در کوبا اوج گرفت. مبارزات آنها، راه مبارزه را به مردم قاره نشان داد. باراین جنایات تاریخی بردوش مسیحیان و آن عده ای است که خود را متمدنین غربی می نامند."

"بدیهی است که تحقق یک ایده و ایده آل متعالی در آفریقای جنوبی، در فردا ثمرات فراوانی برای کل قاره آفریقا دربر خواهد داشت. در وجه اقتصادی، وضعیت صنعت، کشاورزی و تکنولوژی و علوم در آفریقای جنوبی در زمره یکی از پیشرفته ترین کشورها در قاره آفریقا است. از نظر دخالر و معادن، منابع تامین انرژی، آفریقای جنوبی در شمار نخستین کشورهای دنیاست. امروزه، آفریقای جنوبی ۵۰ درصد برق قاره، ۸۵ درصد فولاد و ۹۷ درصد نغال سنگ قاره را تامین میکند."

* کمکهای بین المللی کوبا به آفریقا

کوبا یک جزیره کوچکی است در مجاورت یک همسایه پر قدرت. اما برغم آن ۲۶۲۹۴ متخصص و تکنسین آفریقائی از مراکز تخصصی کوبا فارغ التحصیل شده

صفحه ۱۵

I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

اطریش

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

دانمارک

I . S . F
Postbox 50057
10405 Stockholm
Sweden

سوئد

Sepehry
Postlagernd 4018 Basel
Switzerland

سوئیس

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

فرانسه

P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

هلند

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر بیکای از آدرس های سازمان ارسال نمایند.

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaai-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 319 nov 1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق